

## رای مردم به سرنگونی، ادامه کابوس حکومت

صفحه ۴



### سیرک انتخاباتی حکومت و مردم

رای ما سرنگونی است و انتخاب ما انقلاب زن زندگی آزادی

شهلا دانشفر، صفحه ۲

### انتخابات، مخمصه و شکستی برای حکومت و پیروزی ای برای جامعه

مهران محبی، صفحه ۵

### اعتصاب نفت و انقلاب زن زندگی آزادی - اصغر کریمی

صفحه ۶

### کارگران نفت پر قدرت به میدان آمده اند

گفتگو با کاظم نیکخواه و شهلا دانشفر در تلویزیون کانال جدید، صفحه ۷

### کمونیسم منصور حکمت، تئوری زندگی

یاشار سهندی، صفحه ۱۱

تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در چند شهر و یک خبر دیگر صفحه ۱۶

۱۰ تیر: تجمعات اعتراضی بازنشستگان نامین اجتماعی و فولاد در چندین شهر

"حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی"، صفحه ۱۶

اعتصاب کارگران پروژه ای پیمانی نفت در بیش از صد شرکت نفت و گاز صفحه ۱۷

اعتصاب هزاران کارگر پروژه ای پیمانی نفت در ۹۵ شرکت نفت و گاز صفحه ۱۷

تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در چند شهر و یک خبر دیگر صفحه ۱۸

اعتصاب کارگران پروژه ای پیمانی نفت در بیش از ۱۱۵ شرکت نفت و گاز صفحه ۱۸

# کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۳۸

۱۱ تیر ۱۴۰۳

۱ ژوئیه ۲۰۲۴



دوشنبه ها منتشر میشود

### جولیان آسانژ آزاد شد!

شهلا دانشفر، صفحه ۱۴

### از خوزستان خبر میرسد

صفحه ۱۵

### کارگران در هفته ای که گذشت

تنظیم کننده: کارگر

کمونیست، صفحه ۱۳

### ۱۱ تیر: تجمعات اعتراضی

بازنشستگان مخابرات در

تبریز و بیجار

فراخوان بازنشستگان در

کرمانشاه به تجمع مشترک،

صفحه ۱۸

### اعتصاب بیش از ۲۰ هزار

کارگر پروژه ای نفت وارد

پنجمین روز شد

صفحه ۱۷

## سیرک انتخاباتی حکومت و مردم

رای ما سرنگونی است و انتخاب ما انقلاب زن زندگی آزادی

شهلا دانشفر

هشتم تیر ماه سیرک انتخابات حکومتی برگزار شد. انتخاباتی از سوی حکومتی در سراسری سقوط که شکافشان آنقدر عمیق است که حتی نتوانستند در همان مرحله اول با هر دوز و کلکی شده یکی را از صندوق رای کذابی شان بیرون بکشند و کار به مرحله دوم کشیده شد. و در برابر و اکنش های اعتراضی مردمی در این مدت تن همه شان به لرزه در آمده است.

دلیل روشنش نیز این است که این یک نمایش انتخاباتی بعد از انقلاب زن زندگی آزادی بود که برپا شد و سخن مشترک همه مردم رای به سرنگونی و تداوم انقلاب بود. حوزه های انتخاباتی سوت و کور بودند و این خود توده های دیگری از سوی مردم بر حکومت بود.

در این روزهای معرکه گیری انتخاباتی حکومت، در و دیوار شهرها با "رای ما سرنگونی است" پر شد. پوستر های تبلیغاتی رژیم پایین کشیده شد و نمایش های مناظرتی کاندیدا های این سیرک مسخره به صحنه اعتراض مردمی تبدیل شد.

در این روزها همچنین هزاران کارگر اعتصابی نفت با تاکید بر مطالبات خود و با گفتن "رای بی رای" حرف آخرشان را زدند و بازنشستگان در کف خیابان با بلند تر کردن صدای اعتراضاتشان و فریاد "ما دیگر رای نمیدیم از بس دروغ شنیدیم" و فریاد شعار اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" صدای اعتراض کل جامعه را نمایندگی کردند. در جریان این مضحکه صف آرای قدرتمند انقلاب و در هم ریختگی بیش از بیش صفوف حکومت را شاهد بودیم.

و بالاخره اینکه در این روزها و در جریان مضحکه ای که به پا شد اتحاد و همبستگی صف انقلاب زن زندگی آزادی را در بیانیه های اعتراضی بخش های مختلف کارگری و کل جامعه و عزم جزم مردم برای خلاصی از جهنم جمهوری اسلامی و به پیروزی رساندن انقلاب شاهد بودیم. و بار دیگر منشور خواستهای حداقلی بیشتر تشکل کارگری- اجتماعی و منشور مطالبات پیشرو زنان این دو سند تاریخی انقلاب زن زندگی آزادی روی میز قرار گرفت. و ما شاهد جامعه ای بودیم که در آن مردم یکصدا فریاد زدند و گفتند رای ما سرنگونی است. در اینجا نگاهی بیندازیم به گوشه هایی از بیانیه ها و پیامهای کارگری و مردمی به مناسبت مضحکه انتخاباتی حکومت:

(بیانیه مشترک و سراسری فعالین انقلاب «زن زندگی آزادی»، جنبش زنان و تشکل های دانشجویی و دانش آموزی درباره «انتخابات «ریاست جمهوری ۱۴۰۳»):  
رای و انتخاب ما انقلاب «زن زندگی آزادی» است که با گامها و فریادهایمان در خیابانها، دانشگاهها و مدارس اعلام کرده و می کنیم! ما امضا کنندگان این بیانیه ضمن بالا نگه داشتن پرچم انقلاب «زن زندگی آزادی»، عموم جامعه را به مبارزه متحدانه و همبسته، مستمر و سازمان یافته بر اساس منشور مطالبات حداقلی تشکل های صنفی و مدنی ایران و منشور مطالبات پیشرو زنان ایران، فرا می خوانیم تا در یک مسیر مشترک بر اساس خواسته های آزادیخواهانه، برابری طلبانه و سکولاریستی به نقطه پیروزی برسانیم و این بساط ضدانسانی را از جامعه مان پاک کنیم.  
- شورای سازماندهی اعتراضات



۱۱  
در اتاق بازجویی کابل بود، شیلنگ بود، باتوم در رنگ های مختلف هم بود. مامور به نیشخند از منم بیچاره می پرسید با کدوم بزنم؟ سبز، سیاه یا با آبی؟ شما جای زندانی بینوا، کدام را «انتخاب» می کردید؟  
اسماعیل بخشی  
فعال کارگری

رای و انتخاب ما انقلاب «زن زندگی آزادی» است که با گامها و فریادهایمان در خیابانها، دانشگاهها و مدارس اعلام کرده و می کنیم!  
بیانیه مشترک و سراسری فعالین جنبش زنان انقلاب «زن زندگی آزادی»، تشکل های دانش آموزی و دانش آموزی درباره «انتخابات «ریاست جمهوری ۱۴۰۳»



مادران دادخواه کوردستان:



به محاکمه کماندن همه آمرین و عاملین کشتار و جنایت رای ما سرنگونی



«رای زنان ایران» هم بیان با همزمان، کارگران، دادخواهان، دانشجویان و همه مردم که اعتراضات نمایش حکومتی را طرد کردند.  
با فریاد جاودانه «هزاران چاهی یکصدا پاک بر می آوریم - ما همه با هم هستیم و اعلام می داریم: انتخاب ما ریشه کن شدن عباسیات هارپاری بخشی و پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی است.



از پس دروغ شنیدیم، ما دیگه رای نمیدیم

کارگران پیمانی نفت نیز ضمن گزارش اخبار اعتصاب نوشته است: «همانطور که قبلاً هم اعلام کرده ایم دیگر بس است. به این بردگی تن نمی دهیم. ما مطالبه گریم. همانطور که بازنشستگان عزیز در خیابان فریاد زدند. همانطور که مردم صدایشان بلند شده است. حرف ما هم همین است. رای بی رای. از حقمان کوتاه نمی آیم». بازنشستگان نیز در کف خیابان با فریاد "ما دیگه رای نمیدیم" فریاد رسای کل جامعه هستند.

- شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان: مطالبات واقعی مردم و معلمان در حوزه آموزش و پرورش که در این سالها در کف خیابان طنین انداز شده است از این قرارند: اعتراض به نظام آموزشی ایدئولوژیک، اعتراض به کالایی شدن آموزش، مطالبه تشکلیابی مستقل، مطالبه حق تجمع و اعتراض، آزادی های اجتماعی و سیاسی، آزادی معلمان زندانی، مطالبات معیشتی و منزلتی، بیمه کارآمد و مطالبات اجتماعی چون حق پوشش اختیاری و دفاع از حقوق زنان و کودکان و ... انتخابات در این ساختار برای شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران موضوعیتی ندارد و ما مطالبات خود را از طریق تلاش برای تشکلیابی مستقل و تقویت نهادهای مردمی دنبال خواهیم کرد. ما سواستفاده از مطالبات صنفی برای گرم کردن تور انتخابات و توهین به شعور فرهنگیان بازنشسته و شاغل و همچنین جعل و سواستفاده از نام شورای هماهنگی برای مقاصد انتخاباتی از سوی جناح های سیاسی را به شدت محکوم می کنیم.

- ۵۲۰ معلم در بیانیه ای با طرح اینکه شرکت در انتخابات ریاست جمهوری را در حل مشکلات بی نتیجه و از همه بدتر، عامل افزایش مشروعیت و انگیزه سرکوب بیشتر مطالبه گران و معترضان می دانند، اعلام کردند در این انتخابات شرکت نخواهند کرد.

- شورای بازنشستگان ایران "انتخابات، پشتوانه سرکوب و غارتگری علیه کارگران، بازنشستگان، زنان و آحاد جامعه است! انتخاب ما کارگران و بازنشستگان از بستر جدال های هر روزه با جهت گیری اتکا به نیرو و قدرت اجتماعی مان میگذرد، اعتصابات و اعتراضات در کف خیابان، قطب نمای دسترسی به رفاه معیشت و تغییر اوضاع با دخالتگری متحدانه در برابر همه تعرضات حکومت به منافع مان از جمله همین نمایش انتخابات است و تا حق خود نگیریم از پای نمی نشینیم!

## سیرک انتخاباتی حکومت و مردم...

از صفحه ۲



انقلاب مهسا ، همراه همه زنان و مردانی که برای معیشت و منزلت زندگی و آزادی را دادخواهی می کنند، با فریاد : زن زندگی آزادی هم صدا هستیم و رای ما سرنگونی و به محاکمه کشاندن همه آمرین و عاملین کشتار و جنایت چهار دهه گذشته بوده و ضمن حمایت از دادخواهان زندانی و دیگر زندانیان سیاسی که در بند زندان هستند اعلام می کنیم با هیچ بند و زندان و اعدام نمی توانید مبارزات ما مردم به جان آمده از ظلم و بیداد حکومت ، جنایت و کشتارتان را به عقب برانید."

-ندای زنان ایران: "ندای زنان ایران" هم پیمان با معلمان ، کارگران ، دادخواهان ، دانشجویان و همه مردم که در بیانیه ها و پیام ها و واکنش های مختلف ، انتخابات نمایشی حکومتی را طرد کردند، با فریاد جاودانه غزاله چلابی یکصدا بانگ بر می آوریم : ما همه با هم هستیم و اعلام می داریم: انتخاب ما ریشه کن شدن مناسبات آپارتاید-جنسیتی و پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی است.

- بیانیه مشترک تشکل های جنبش رنگین کمانی : رای ما سرنگونی ، انتخاب ما زن زندگی آزادی. "ما تشکل های مدافع حقوق ال جی بی تی کیو+ و امضاکنندگان این بیانیه، «انتخابات» جمهوری اسلامی را به رسمیت نمی شناسیم، و جاهتی برای کل حکومت قائل نیستیم و این پروسه انتخاباتی را تنها به مثابه فرایندی برای تعیین رئیس دولت حکومت اسلامی برای سرکوب بی امان و پایمال کردن حق زندگی مردم ایران می دانیم. ما جنایات رژیم از فردای روی کار آمدن اش تا به امروز را نه می بخشیم، نه فراموش می کنیم؛ و برای دادخواهی و پیروزی انقلاب مان، دوشادوش تمامی بخش های رادیکال و پیشرو جامعه به مبارزه ادامه می دهیم و تا روز محاکمه قاتلین مردم ایران، ایستاده ایم تا پایان."

- انجمن خانواده های دادخواه آبان در اعتراض به مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی: "تصمیم مردم ایران به تحریم دو انتخابات فرمایشی پیشین، فریاد رسای گذر بی بازگشت آنان از ظلمت استبداد جمهوری اسلامی بود. حال، پاسخ ما انجمن خانواده های دادخواه آبان به جمهوری اسلامی تنها یک کلمه است: نه.

-گوهر عشقی مادر دادخواه: "فرزندنام! از همه شما که طعم تلخ استبداد،#فساد سازمان یافته و کشتار جوانان به دست این حکومت ننگین را چشیده اید، قاطعانه می خواهیم به هیچ وجه در نمایش از پیش نوشته شده حکومتی شرکت نکنید! بگذارید حاکمیت دروغزن و حامیان #اصلاح طلب و #اصولگرایش در این نمایش تو خالی تنها بمانند و یکبار دیگر جهانیان بدانند پاسخ قطعی ما به #جمهوری اسلامی تنها یک جمله است: #نه به جمهوری اسلامی! و در نهایت باید به شما فرزندنام بگویم حاصل شرکت هر شهروندی در این نمایش شوم، چیزی جز تحکیم پایه های این حاکمیت بد سیرت نخواهد بود! چرا که قدمای ما به درستی می گفتند: از کوزه همان برون تراود که در اوست!

-جمعی از مادران دادخواه: "مردم شریف کوردستان و مردم آزادیخواه ایران! ما به عنوان مادران دادخواه کوردستان تا زمانی که به حق خود در محاکمه و مجازات جنایتکارانی که فرزندانمان را بیگناه به جوغه اعدام و گلوله بستن دست نیابیم، از عدالتخواهی دست برنخواهیم داشت. ما رژیم حاکم بر ایران را به طور کلی محکوم می کنیم و در هیچ به اصطلاح انتخابات نمایشی شرکت نخواهیم کرد."

- یوسف بهمنی کارگر نیشکر هفت تپه: کارگران هفت تپه از مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی به هیچ وجه حمایت نمی کنند و در کنار مردم ایران و مادران دادخواه هستند. یوسف بهمنی همچنین در پاسخ به آن دسته از نامزدهای انتخاباتی که از اعتبار هفت تپه می خواهند برای خود کره تبلیغاتی بگیرند، عنوان کرد که این کارها فایده ای ندارد و مسیر کارگران هفت تپه در تمامی این سال ها روشن است و آنها در مسیر حق و در کنار مردم گام بر می دارند.

- شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران : از بس دروغ شنیدیم/ ما دیگه رای نمیدیم! "در حاکمیتی که پرستاران برای ایجاد تشکل مستقل خود با سدهای امنیتی مواجه می شوند، صندوق انتخابات و رای دادن بی معناست. جالب توجه اینجاست که خانه ی پرستار؛ این تشکل حکومتی پرستاران تلاش بسیار می کند که پرستاران و کادر بهداشت و درمان را به پای بازی انتصابات حکومتی بکشاند، و این بی ربطی آن را به ما پرستاران به روشنی نشان می دهد. ما پرستاران که بارها صدای اعتراضمان را در کف خیابان فریاد زده ایم، به خوبی می دانیم: سرنوشت ما و ذره ای بهبودی شرایط معیشت مان از صندوق رای بیرون نخواهد آمد و در این بازی انتصابات شرکت نمی کنیم.

اسماعیل بخشی کارگر نیشکر هفت تپه در رابطه با مضحکه انتخاباتی حکومت در توییت خود به وضعیت متهمان در اتاق بازجویی پرداخته و نوشت: "در اتاق بازجویی کابل بود، شیلنگ بود، باتوم در رنگ های مختلف هم بود. مامور به نیش خند از متهم بیچاره می پرسید با کدوم بزنم؟ سبز، سیاه یا با آبی؟ شما جای زندانی بینوا، کدام را انتخاب" می کردید؟

او در توییت های دیگری خطاب به کارگران ایران نوشت: "کارگری که میخوای در انتخابات شرکت کنی تا شاید کمی اوضاع بهتر بشه، هیچ کدام از کاندیداهای انتخابات هرگز به تو حق داشتن و تشکیل تشکل مستقل را نخواهد داد و تو بدون داشتن تشکل مستقل هرگز قدرت چانه زنی و مطالبه گری و گرفتن حقت را نداری.

اسماعیل بخشی همچنین نوشت "معلم و کارگر عزیز، مزدبگیران شریف، تکرار راه چندین بار رفته خطاست، وقتی برای گرفتن حق تان تجمع اعتراضی برگزار کردید هرکدام از این افراد رئیس جمهور شود برای حل مشکلاتان با اولین وزیری که تماس می گیرد وزیر اطلاعاتش است چماق همان چماق است فریب رنگش را نخورید.

- جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه: "به سرمایه داران رای نمی دهیم! انتخاب واقعی و آزاد فقط در شورا های منتخب مردم است. کارگران هفت تپه و جنبش کارگری، هیچ منفعتی در دفاع از این نظام استثمارگر و سرکوبگر ندارند و برای ادامه و بقای آن در انتخابات سرمایه داران شرکت نمی کنند. ما به دشمنان طبقاتی مان رای نمی دهیم. شرکت در انتخابات تائید کل وضعیت و مشکلات و مشقات و مسیبن آنتست."

- چهارده تن از بازداشت شدگان و آسیب دیدگان انقلاب زن، زندگی، آزادی، با انتشار بیانیه ای در محکومیت انتخابات فرمایشی جمهوری اسلامی، اعلام کردند: "ما جمعی از معروحن و بازداشت شدگان قیام زن، زندگی، آزادی" همراه و همگام با اکثریت مردم و همدوش همه مبارزان راه آزادی و برابری، این انتخابات و در واقع انتصابات را به صورت فعال تحریم می کنیم."

- نهاد دادخواهان: انتخابات ، روی دریای خون عزیزانمان ! برگزاری انتخابات در برابر مردم خشمگین در صفوف بازنشسته ، کارگر ، معلم و دانشجو ..... که در خیابان فریاد میزنند " ما دیگه رای نمی دیم " تنها از وقاحت و بی شرمی حکومتی بر می آید که دستهایشان به کشتار و جنایت آلوده است. ما دادخواهان از خانواده های دهه شصت تا خانواده های جانباختگان جنایت هوایمای اکراین تا دادخواهان آبان و





صوف حکومت به هم ریخته‌تر شده و مردم متحدتر و با روحیه‌ای تعرضی‌تر علیه حکومت قد علم کرده‌اند.

اکنون با کشیده شدن این انتخابات کذایی به دور دوم، معضلات بیشتری

گریبان حکومت را خواهد گرفت و مردم از این فرصت نیز برای پیشروی بیشتر و تقویت صفوف خود علیه حکومتی که اکنون بیش از هر زمان در داخل و خارج کشور منزوی و بی‌آبرو شده است استفاده خواهند کرد. حتی خود بالایی‌ها از وضعیت نگران‌کننده و "احتمال فتنه جدید" سخن می‌گویند.

مساله اصلی این است که اوضاع بعد از انقلاب زن زندگی آزادی، به شدت انفجاری است و هر رویداد سیاسی برای حکومت به معنی بحران بیشتر و برای مردم پیشروی بیشتر است. مردم عزم کرده‌اند که خود را از شر این حکومت جنایت و چپاول خلاص کنند و با جسارت و شجاعت در همه جا علنا فریاد سرنگونی سر می‌دهند. این جامعه با عزم جزم می‌خواهد خود را از دوران تاریک و خونین حاکمیت اسلامی یعنی اعدام و زندان و فقر و اختلاس‌ها و تحجر و مذهب و کل پلشتی‌های حاکم خلاص کند و طرحی نو در اندازد. در این شرایط حتی رویدادی مثل انتخابات نمایشی حکومت، فضای تعرض به حکومت را فعالتر می‌کند. همه چیز این را تاکید میکند که انتخاب مردم سرنگونی است. دور دوم انتخاباتشان را نیز به شکست باز هم بیشتری تبدیل خواهیم کرد.

حزب کمونیست کارگری به همه مردم آزاده درود می‌فرستد و بر اتحاد همه بخش‌های مردم برای سرنگونی این حکومت منحوس و برپایی یک دنیای بهتر تاکید میکند. ما مردم سزاوار زندگی بسیار بهتری هستیم و آنرا با انقلاب خویش برپا خواهیم داشت.

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ تیرماه ۱۴۰۳، ۳۰ ژوئن ۲۰۲۴

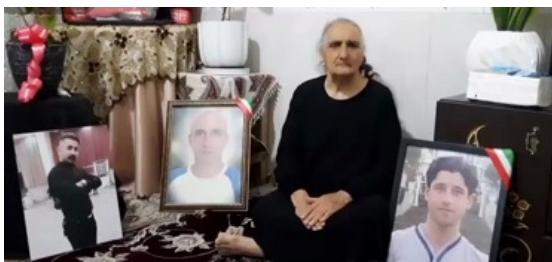
## رای مردم به سرنگونی، ادامه کابوس حکومت

انتخابات حکومتی به دور دوم کشیده شد و دونفر که یکی اصولگرا و دیگری اصلاح طلب حکومتی شمرده میشوند در مسابقه باقی مانده‌اند. همانگونه که پیش بینی میشد میزان پایین شرکت در این نمایش حکومتی بی‌سابقه بود. حکومت درصد شرکت کنندگان را حدود ۴۰ درصد اعلام کرده است. اما شواهد نشان میدهد که آمار مشارکت بسیار کمتر از اینها بوده و تعداد آرا را سه برابر کرده‌اند.

اینکه جمهوری اسلامی ناچار شد انتخابات را به دور دوم بکشد، و اینکه حتی جناح موسوم به اصولگرا توانست بر سر یک کاندید واحد توافق کند و اینکه ناچار شدند یک دوم خرداد را در سیرک مسابقه نگه دارند و آرای پایین همه کاندیداها و بویژه اصولگراها و حلقه سخت قدرت، گویای وضعیت نزار حکومت و به معنای این است که کابوس حکومت ادامه دارد و معضلات بیشتری گریبانش را گرفته است.

ابراهیم رئیسی یک آخوند جنایتکار گوش بفرمان و کم مقدار در حلقه حکومتی‌ها بود. اما مرگ او در فضای گسترده سرنگونی طلبی در جامعه، ضربه محکمی به کل حکومت وارد کرد. مردم با مرگ رئیسی شادی کردند، به حکومتیان تعرض کردند، کارنامه جنایات دهه شصت را پیش کشیدند و جنبش سرنگونی خیز تازه‌ای برداشت. با اعلام برگزاری انتخابات برای تعیین جانشین رئیسی از همان ابتدا موج ابراز انزجار علیه حکومت و اعلام تحریم و بایکوت این نمایش وسیعاً به جریان افتاد. تشکلهای مردمی، کارگران نفت، شورای بازنشستگان، نویسندگان، کارگران هفت‌تپه، دادخواهان، تشکل‌ها و فعالین حقوق زنان، دانشجویان و ال جی بی تی کیوها اعلام کردند که در این نمایش ضد مردمی نباید شرکت کرد. زندانیان سیاسی، مادران دادخواه در کردستان و چهره‌هایی مثل گوهر عشقی مادر زنده یاد ستار بهشتی و اسماعیل بخشی و بسیاری از چهره‌های محبوب و شناخته شده دیگر گفتند رای بی رای و نباید انگشت در خون عزیزان مردم زد.

مردم اعلام کرده بودند که رای ما سرنگونی و انتخاب ما انقلاب زن زندگی آزادی است. و تا اینجا نتیجه آشکارا این بوده است که فضای سرنگونی طلبی فعالتر شده،



- نرگس محمدی زندانی سیاسی ایرانی و برنده جایزه صلح نوبل در سال ۲۰۲۳ میلادی، در پیامی از زندان اوین اعلام کرد که در انتخابات شرکت نخواهد کرد و نوشت: "چطور میتوانیم در حالی که با یک دست تیغ و دار و اسلحه و زندان را علیه مردم گرفته اید، با دستی دیگر صندوق رأی را پیش روی همان مردم بگذارید و با زبانی فریبکار و دروغ پرداز آنها را به پای صندوق رأی فرا خوانید؟"

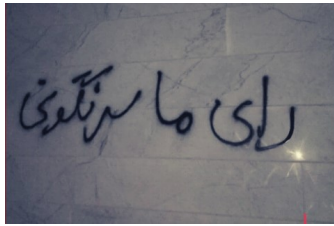
در همین راستا در هشتم تیر ماه شمار زیادی از زندانیان سیاسی بند زنان و بندهای ۴ و ۸ اوین انتخابات را تحریم کردند. از جمله آنها نرگس محمدی، مصطفی تاجزاده، فائزه هاشمی، عبدالله مومنی، مجید توکلی، گلرخ ایرایی، امیرسالار داودی، رضا شهابی، کیوان رحیمیان، محمد نجفی، رسول بدافی، کیوان مهتدی، حسن سعیدی، داوود رضوی و چندین زندانی دیگر.

از صفحه ۳

## سیرک انتخاباتی حکومت و مردم...

- مادر دادخواه زنده یاد #مهرداد\_معین\_فر با انتشار عکس از فرزند جانباخته اش نوشت: "انتخابات ما روزی بود که (آبان ۹۸) رو تبدیل به (آبان خونین) کردن"  
- مادر دادخواه #هومن\_عبداللهی: بین ما و شما دریایی از خون فاصله است  
- مادرزنده یاد #سارینا\_ساعدی، از جانباختگان خیزش انقلابی زن زبان نازادی در محکومیت انتخابات حکومتی، با انتشار تصویری از مزار فرزندش در صفحه اینستاگرامش با هشتگ «نه به جمهوری اسلامی» نوشت: "مردم عزیز ایرانم، اگر جان و آینده بچه‌هایتان برایتان مهم است، فردا در خانه بمانید. من به عنوان مادر شهید جان‌باخته سارینا ساعدی از شما خواهران و برادرانم خواهش می‌کنم رأی ندهید."  
- مؤگان فتحاری، مادر زنده یاد #ژینا\_امینی، با انتشار تصاویری از فرزندش در ارتباط با تحریم سیرک انتخابات فرمایشی رژیم در استوری اینستاگرامی خود نوشت: آنجا که آزادی نیست، اگر رای دادن چیزی را تغییر می‌داد، اجازه نمی‌دادند که رای بدهید.

- عصر روز پنجم تیرماه شماری از زندانیان بند زنان اوین پس از آخرین مناظره تلویزیونی شش نامزد مورد تایید شورای نگهبان در حیاط زندان شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر جمهوری اسلامی» و «زن، زندگی، آزادی» (سر دادند و خواهان آزادی زندانیان سیاسی شدند.



سر و پا می نامد، می افتد تا برای حفظ آبرو و اعتبار جمهوری اسلامی به پای صندوق های رأی بیایند و به جمهوری اسلامی رأی بدهند.

در کلیت این صحبت های خامنه ای برای مردم ایران تکراری و شناخته

شده است که با شرکت در انتخابات قرار نبوده و نیست که تغییر و بهبودی در اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم حاصل شود، بلکه هدف مشروعیت بخشی به حکومت است تا بتواند با تکیه به پشتوانه های اجتماعی و مردمی هم خود مردم را به فقر و فلاکت بکشاند و هر صدای معترضی را خفه کند و هم در کشمکش های منطقه ای و بین المللی از طریق تقویت و حمایت گروه های تروریستی گردن کشی کند.

اما در جزء، قسمتی از صحبت های خامنه ای تازه و اتفاقا برای ما مردم خواهان سرنگونی رژیم حائز اهمیت است و آن اعتراف او به شکست هائی است که خود و حکومت اش از مردم در دو انتخابات گذشته خورده اند. مردم هم به خوبی می دانند که رأیشان فقط برای مشروعیت دادن و قدرت و بقاء دادن به جمهوری اسلامی است و قدرت و بقاء جمهوری اسلامی نیز برابر با ادامه فقر، گرسنگی، بیکاری، سرکوب، اختناق، اعدام، ترور، کشتار و حمله به زنان، تخریب محیط زیست و هزاران بلا و مصیبت دیگر برای عموم مردم و نیز ادامه دزدی و فساد و چپاول سران و عوامل کثیف جمهوری اسلامی است.

از اینرو است که عموم مردم طی این مدت که حکومت تلاش برای بازار گرمی انتخاباتی می کرد، به انحاء مختلف به مقابله پرداختند و خود را برای وارد آوردن یک ضربه مهلک تر همسو و هم صدا کردند. در این مدت ده ها بیانیه و فراخوان از سوی زندانیان سیاسی، خانواده های دادخواه، تشکلهای گروه های کارگری، دانشجویی و کوئیرها برای بایکوت انتخابات رژیم منتشر شد. بازنشستگان در تجمعات روزهای هفته شعار "ما دیگه رأی نمیدیم" سر دادند و در رسانه های اجتماعی و روی دیوارها شعار "رأی بی رأی و رأی ما سرنگونی است" هزاران بار نوشته شد.

اینبار که حکومت زیر فشار کمر شکن تری قرار گرفت و خامنه ای می دانست که تودهنی سخت تری از مردم خواهد خورد، از اول صبح جمعه به پای صندوق رأی رفت و با رخساری فرتوت و گرفته به التماس و گدائی رأی از مردم متوسل شد. خامنه ای اینبار دیگر نتوانست با سیلی صورت خود را سرخ کند و واقعیت را به صراحت پذیرفت که با بایکوت انتخابات، جمهوری اسلامی زیاد دوام نمی آورد. او گفت: "قدرت و بقاء و عزت جمهوری اسلامی به رأی شما مردم گره خورده است.....بیانید رأی بدهید، رأی دادن هزینه ای ندارد، کار سختی نیست و...". ولی کارساز نشد و در ساعات بعدی که خامنه ای و حکومت اش مکان های اخذ رأی را خالی و سوت و کور دیدند به تقلاهای مذبوحانه دیگری دست زدند. از طرف دفتر خامنه ای و وزارت کشور به طور جداگانه پیامک های دعوت به رفتن به پای صندوق های رأی حتی در ساعات پایانی شب جمعه برای صاحبان همه سیم کارت های تلفن های همراه ارسال کردند و در بعضی روستاها و مناطق بیلاقی ساکنین و چادر نشینان و دامداران اقدام به تهدید قطع نان و اخراج از مناطق چرای دام کردند تا شاید کمی به مکان های سوت و کور اخذ رأی تحرک ببخشند.

اما مردم انتخاب خود را کرده بودند و با بایکوت سراسری مخمسه و مضحکه انتخاباتی حکومت رأی به عدم مشروعیت سیاسی و حاکمیتی و رأی به سرنگونی آن دادند. بایکوت سراسری انتخاباتی حکومت تودهنی مردم به خامنه ای بود که بارها در سخنرانی ها و هنگام انداختن رأی اش به صندوق و در پیامک اش برای صاحبان

## انتخابات، مخمسه و شکستی برای حکومت و پیروزی ای برای جامعه - مهران محبی

حکومت بلافاصله بعد از مرگ رئیسی همه دستگاه ها و نهاد های خود را برای عبور از بحران پشش آمده بسیج کرد تا شرایط را برای معرکه گیری های دلچک های انتخاباتی کمی مساعد نماید و اندکی تنور انتخابات اش را گرم کند، ولی نشد. رژیم هر نمایش و تقلانی را که بکار گرفت تا شاید بتواند امیدی برای رونق یافتن انتخابات اش کسب کند، ولی در روز انتخابات نتیجه کار کاملا برعکس از آب در آمد و رسوائی و بی اعتباری ای بیشتر از پیش برای اش حاصل شد.

تقابل جامعه با حکومت در دوره قبل از روز رأی گیری؛

جامعه با فشار اعتراضات و ابراز نفرت عمومی عمیق خود جمهوری اسلامی را چنان در گرداب گرفتار کرده و به دور خود به پیچ و تاب انداخته بود که دلچک های انتخاباتی برای ترغیب افراد به رفتن به پای صندوق رأی ناچار به اعتراف به جنایات کلی رژیم و دادن شهادت علیه یکدیگر شدند.

وقتی که پور محمدی جنایتکار و عضو هیئت مرگ زندانیان سیاسی سال ۶۷ به جنایت اش اعتراف می کند و در عین حال برای تبرئه خود، آمر اصلی به این جنایت را خمینی و کل حکومت معرفی می کند و نقش در حد یک مأمور معذور و قاتل دستور گیرنده برای خود می پذیرد و دیگر کاندیداهای دزد و جانی دست به افشاگری از دزدی های یکدیگر و برملا ساختن نقششان در ایجاد مشکلات و معضلات اقتصادی و اجتماعی و تحمیل آنها بر مردم می زدند، ما مردم انقلابی و عزم جزم کرده برای سرنگونی رژیم بیشتر به قدرت خود و تغییر توازن قوا به نفع خود پی می بردیم و از دچار شدن حکومت به خفت و خواری ای تا این حد به وجد می آمدیم و به سرنگونی آن با انقلابمان در آینده ای نزدیک امیدوارتر می شدیم.

آنچه که امروز زیر فشار اعتراضات سهمگین جامعه در مناظرات مهره های حکومتی به هر بهانه ای مانند انتخابات روی می دهد، کار دادگاه های مردمی در فردای سرنگونی رژیم را که در آن همه جانین و سران و مهره های جمهوری اسلامی باید به محاکمه کشیده شوند، راحت تر می کنند. مناظرات و معرکه گیری های رقابتی خیابانی اخیر به یمن فشار انقلاب جاری عملا به صحنه اعتراض و محاکمه سران جنایتکار حکومت تبدیل شد. هیچ دلچکی چیزی غیر از تلاش برای اثبات کمتر بودن میزان دزدی و فساد و جنایت خود نسبت به دلچک های دیگر برای ارائه نداشت و رقابت بر سر این بود که چه کسی کمتر دزدیده، کمتر غرق در فساد اقتصادی و اخلاقی بوده و کمتر در ترور، اعدام، بازداشت و زندان و کشتار و قتل عام شریک و دخیل بوده است و این اعترافات مذبوحانه برای آینده ثبت خواهد شد.

علاوه بر این، زیر چنین فشار اعتراضی و نفرت عمومی ای از کل حکومت بود که خامنه ای جنایتکار و نماد جمهوری اسلامی ناچار به اعتراف به شکست خود در برابر اراده انقلابی مردم شد و با درماندگی در جمع تعدادی از سران و سرداران حکومتی در روزهای پایانی نمایشات و معرکه گیری های تبلیغات نامزدها اعتراف کرد که نتیجه بایکوت وسیع و عمومی انتخابات سه سال پیش ریاست جمهوری و انتخابات چند ماه پیش مجلس اسلامی توسط مردم "دراز شدن زبان دشمنان علیه نظام اسلامی بوده است!"

خامنه ای در سخنرانی اش چیزی غیر از یأس و ناامیدی و وحشت از آینده حکومت اش ابراز نکرد. کل صحبت های خامنه ای برای حاضرین در نشست و همچنین کاندیدها، دستورات و تعیین خط و خطوط عجین با ترس و نگرانی و هشدارباش در برابر دشمنان به زعم وی زبان دراز شده (همین مردم تشنه سرنگونی حکومت) بود و در پایان با عجز و لابه به التماس از حتی فقیر ترین و تباه شده ترین انسانهای جامعه که این جانی با تحقیر و با زبان ضد انسانی اش آنها را آدمهای بی



را تقویت کرده‌اند.

نکته مهم این است که چه باید کرد که اعتصاب در نفت به یک گفتمان عمومی در جامعه تبدیل شود؟ چه باید کرد که این اعتصاب به یک جبهه مهم انقلاب تبدیل شود؟

برای این منظور اولاً مهم است که کارگران نفت در سراسر کشور اعم از رسمی و غیررسمی به این اعتصاب و شوراها سازماندهی خود پیوندند تا صفوف خود را مستحکم‌تر کنند. ثانیاً جامعه از فعالین زن تا تشکل‌های دانشجویی و دانش‌آموزی، تشکل‌های مختلف کارگری، بازنشستگان، معلمان و دادخواهان، به حمایت از این اعتصابات برخیزند و آن را به یک گفتمان سراسری تبدیل کنند. هر چه بیشتر در مدیای اجتماعی به این گفتمان دامن بزنند و تلاش کنند بیش‌ازپیش رسانه‌ای شود. هر چه فعالین انقلاب زن زندگی آزادی بیشتر در این مسئله دخیل شوند، به همان نسبت هم این اعتصاب فشار بیشتری به حکومت می‌آورد و هم بیشتر به یک موضوع و جبهه انقلاب تبدیل می‌شود. (مندرج در ژورنال شماره ۷۶۷)

## اعتصاب نفت و انقلاب زن زندگی آزادی - اصغر کریمی

بیش از ۲۰ هزار کارگر در نزدیک به ۱۰۰ مرکز نفت و گاز در استان‌های مختلف کشور از روز ۳۰ خرداد دست به اعتصاب زده‌اند و هر روز تعداد مراکز اعتصابی افزایش می‌یابد.

این اعتصاب از چند نظر حائز اهمیت است. این یک اعتصاب سراسری در نفت است و الگویی برای اعتصابات سراسری در رشته‌های دیگر مثل مخابرات و راه‌آهن، آتش‌نشانی و معادن. خواست‌های اعتصاب، افزایش دستمزد، کوتاه‌کردن دست پیمانکاران و کاهش روزهای کار خواست همه کارگران در سراسر کشور است و از این نظر با این اعتصابات این خواست‌ها نیز می‌تواند به خواست‌های سراسری تبدیل شود.

شکل دادن به شوراها سازماندهی در بخش‌های مختلف کارگران نفت که این اعتصابات را عملی کرده، نقطه قوت حیاتی کارگران نفت است که می‌تواند به الگویی همه کارگران تبدیل شود.

اما آنچه به‌ویژه به این اعتصاب اهمیت می‌دهد شرایط سیاسی حاکم بر کشور است. در آستانه انتخابات نمایشی حکومت هستیم و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت هم‌زمان با طرح خواست‌های کارگران اعتصابی اعلام کرده است که "رای، بی رای". مقابله با انتخابات حکومتی یک عرصه سیاسی مهم مبارزه مردم در ادامه انقلاب زن زندگی آزادی است و از دادخواهان تا بازنشستگان و معلمان و دانشجویان و بسیاری از فعالین و تشکل‌های مردمی با بیانیه‌های کوبنده خود جبهه بزرگی را در مقابل حکومت شکل داده‌اند. کارگران نفت نیز به این جبهه پیوسته و آن

از صفحه ۵

## انتخابات، مخمسه و ...

سیم کارت های تلفن همراه تأکید کرده بود که دادن رأی به هر نامزدی، دادن رأی به جمهوری اسلامی است.

### پایان روز رأی گیری و اوضاع پیش رو؛

ستاد انتخابات جمهوری اسلامی طبق معمول آمار جعلی خود از میزان مشارکت و نتیجه رأی گیری را با وقیحانه ترین شیوه و بیان اعلام کرد. طبق آمار جعلی حکومتی میزان مشارکت 40 درصد و میزان تحریم کنندگان انتخابات ۶۰ درصد از مجموع واجدین شرایط رأی دهی بوده است و حکومت آن را یک پیروزی برای خود به حساب می‌آورد!

این درجه از وقاحت و بی شرمی را فقط می‌توان در جمهوری اسلامی دید. حکومتی که بنا بر آمار خود، ۶۰ از ۱۰۰ واجدین رأی دهی مخالف اش و ۴۰ از ۱۰۰ موافق اش بوده و بر همین مبنا یک شکست و باخت ۴۰ به ۶۰ را متحمل شده است، ادعا می‌کند که پیروز میدان است، فقط می‌تواند جمهوری اسلامی رسوا و بی اعتبار باشد که با هیچ معیاری در نزد دوستان اش هم قابل سنجش نیست.

حکومت جمهوری اسلامی به چنان حلدی از وقاحت و بی شرمی رسیده است که برایش اهمیتی ندارد پادش بیابورند که چند روز پیش رهبرش در جمع سران و سرداران اش اعتراف به شکست از مردم در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ با مشارکت طبق آمار رسمی ۴۹ درصدی و در انتخابات مجلس در سال ۱۴۰۲ با مشارکت ۴۱ درصدی کرد و گفت که مشارکت کم مردم در انتخابات باعث دراز شدن زبان دشمنان جمهوری اسلامی شده است!

جمهوری اسلامی هر دروغ و پروپاگاندائی که می‌خواهد سر هم کند. ولی مردمی که این شکست سنگین را بر آن تحمیل کرده‌اند می‌دانند که رژیم را به چه موقعیت شکننده تری سوق داده‌اند و خود را برای وارد آوردن ضربات محکم تر و

تحمیل شکست های سخت تر بر حکومت تا سرنگون ساختن آن آماده می‌کنند. با اینحال رژیم با هر حقه و کلکی نتوانست روز جمعه مهره مورد نظر خودش را از صندوق بیرون بکشد و مخمسه انتخاباتی اش تا یک هفته دیگر ادامه خواهد داشت.

در این دوره کوتاه گرفتاری انتخاباتی جمهوری اسلامی تحولات مهم و چشم گیری در جنگ میان حکومت و مردم رخ داده است. حکومت متحمل یک شکست اساسی شده و مردم یک پیروزی به دست آورده و یک گام بلند به سوی سرنگون ساختن رژیم بر داشته‌اند. در این دوره سران و مقامات حکومت درمانده تر در برابر اراده جامعه ظاهر شدند و کلیت حکومت از نظر انسجام حتی در هسته مرکزی آن یعنی در جناح غالب اصولگرایان شدیداً دچار چند دستگی شده و نفاقشان بر سر قدرت و سهم بری از آن و بعلاوه بر سر انداختن مسؤلیت های جنایات اعمال کرده بر جامعه به گردن یکدیگر به اوج رسیده است.

اما در برابر انشقاق و از هم پاشیدگی درونی حکومت، جامعه با روحیه و انرژی بیشتری برای سرنگونی جمهوری اسلامی به مبارزات خود ادامه داده و فشار بر رژیم را افزایش داده است. یک نقطه عطف و یک پیشروی جامعه در این دوره در برابر حکومت این بود که چه در تجمعات اعتراضی و چه در بیانیه ها و فراخوان ها، افراد و جمع ها و تشکلهای نام و مشخصه شخصی از بایکوت انتخابات حمایت کردند و از طرفی دیگر شروع تقریباً همزمان اعتصابات پر شکوه کارگران پروژه ای با زمان شروع تبلیغات کاندیداها و التماس های سران حکومت از جامعه برای نادیده گرفتن خواسته های خود در این مقطع و توجه داشتن به مخمسه انتخابات حکومتی بود که با پیوستن بیش از ۲۰ هزار کارگر در سراسر ایران به آن یک تو دهنی به حکومت زد و کل این اعتراضات سازمانیافته باعث روحیه بخشی به کل جامعه برای بایکوت انتخابات شد.





## کارگران نفت پر قدرت به میدان آمده اند

### گفتگو با کاظم نیکخواه و شهبلا دانشفر در تلویزیون کانال جدید

**سیمای بهاری:** جامعه ایران بسیار خروشان است. امروز هزاران کارگر نفت پر قدرت به میدان آمده اند. همان "رهبران سرسخت" انقلاب ۵۷، امروز هم به اعتراض برخاسته اند. همراه هستیم با کاظم نیکخواه و شهبلا دانشفر و با آنها در رابطه با اعتراضات کارگران نفت به گفتگو می نشینیم.

شهبلا دانشفر این اعتراضات چگونه آغاز شد و آخرین خبرها چیست و این اعتصابات چه ابعادی پیدا کرده است؟

**شهبلا دانشفر:** همانطور که اشاره کردید اعتراضات کارگران نفت با قدرت و گستردگی در جریان است. این کارگران از قبل اولتیماتوم داده بودند و در جریان هستد که همین چند ماه پیش بود که آنها طی بیانیه ای ضمن اعلام خوستهای فوری خود اعلام کردند که اگر به مطالباتشان پاسخ داده نشود دست به اعتراضات گسترده ای خواهند زد.

البته کارگران پروژه ای نفت چندین سال است که برای مطالباتشان دست به اعتصاب و اعتراض میزنند. عقب نشینی هایی را هم به پیمانکاران و دولت تحمیل کردند. توانستند ضربه ای محکم بر فضای پادگانی نفت بزنند. اما مطالبات آنها از جمله بهبود شرایط معیشتی و شرایط کار مثل ایمنی محیط کار، بهبود وضع غذا و خوابگاهها و غیره همچنان به درجات زیادی به جای خود باقی هستند و کارگران اکنون پیگیر این مطالبات خود نیز هستند.

کارگران پروژه ای نفت در بیانیه ای اخطاری بر سه مطالبه فوری افزایش حقوقها، ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران تاکید کرده بودند. اما دیدیم که پاسخی به مطالبات اعلام شده کارگران داده نشد. در نتیجه در سی ام خرداد در مراکز بصورت اخطاری اعتراضاتی از سوی این کارگران شکل گرفت و سی و یکم خرداد اولین روز اعتصابات سراسری دور جدید آنها بود که با نام "کمپین ۱۴-۱۴" استارتش زده شد و بسرعت هزاران کارگر را در بر گرفت و در بیش از ۱۱۵ مرکز نفت و گاز از پالایشگاهها و پتروشیمی ها و کارگران اورهال و داربست بندها به اعتصاب پیوسته اند که گفته میشود بالای ۲۲ هزار نفر را در بر میگیرد. بعلاوه بخش های دیگر کارگران پروژه ای نیز در حال پیوستن به اعتصاب هستند. بطور مثال در عسلویه و کنگان بیش از شش هزار کارگر در اعتصاب هستند. بگذریم که جدا از کارگران پروژه ای که در اعتصاب هستند، خود این اعتصاب بر تعطیلی کار در بخشهای دیگر نفت که بصورت زنجیره ای به هم وصل هستند تاثیر میگذارد. بخصوص که بخشی از این آنها کارگران اورهال هستند که کار تعمیر و رسیدگی به دستگاههای تولید را بر عهده دارند و اعتصاب آنها باعث میشود که در هرکجا که مشکلی پیدا شود، کارها میخوابد. از جمله کار بخش انبار، رستوران، اداری، خدماتی، حراست و تعمیرات و غیره و غیره میخوابد. مهندسانی که برای همین پروژه ها بکار گرفته شده اند، کارشان تعطیل میشود و هزینه همه اینها به دوش پیمانکارها می افتد. بدین ترتیب تاثیرات اعتصاب فراتر از کار همین بخش کارگران اعتصابی است و ابعاد گسترده تر و سراسری تری پیدا میکنند. بویژه یک خواست مهم کارگران پروژه ای اعتصابی همانطور که اشاره شد مطالبه حذف پیمانکاران است و این مطالبه ای است که کل ساختار سیاسی-اقتصادی حکومت در نفت را به چالش میکشد و مطالبه سراسری کارگران در نفت است.

**سیمای بهاری:** همانطور که شهبلا دانشفر اشاره کردند و همه میدانیم بار اول نیست که کارگران نفت دست به اعتراض و اعتصاب میزنند. الان هم دوباره این کارگران وارد اعتصاب شده اند. آیا این اعتراضات در ادامه اعتراضات قبلی است؟ آیا شکل و

محتوای آن همانست و با وارد دور تازه ای شده ایم؟ میخوایم ارزیابی شما را بدانم؟

**کاظم نیکخواه:** شباهت ها و نقطه اشتراکهای زیادی با اعتصاب سال گذشته و سال قبلش وجود دارد. از جمله خواستههایی که همین الان به آنها اشاره شد، بخش زیادی خواستههایی هستند که قبلا مطرح شده بودند. مثل حذف پیمانکاران و تغییر شیفتهای کاری و افزایش دستمزدها که عملی نشده بودند. اما این اعتصاب از نظر اهمیت و جایگاهی که دارد بخاطر شرایط سیاسی ای که امروز در کشور وجود دارد، متفاوت است. بعد از انقلاب و فضای انقلاب زن زندگی آزادی، فضایی که همین امروز در جامعه شاهدیم، مثلا در همین مضحکه انتخابات نمایشی حکومت می بینیم که بخش های مختلف جامعه بازنشستگان، کارگران، فعالین انقلاب زن زندگی آزادی، معلمان و بخش های مختلف مردم علیه این نمایش انتخاباتی علنا موضع میگیرند. در این شرایط یک اعتصاب عظیمی در ابعاد بیش از بیست هزار نفره که در حال گسترش است، جایگاه ویژه تر و مهمتری پیدا میکند. توجه بیشتری به آن هست و روی فضای جامعه و اعتراضات بخش های دیگر جامعه تاثیرات بیشتری خواهد گذاشت. به نظر من این یک اتفاق مهمی است. و ما داریم در مورد یک پدیده مهم، اعتصاب کارگران نفت صحبت میکنیم که از چند سال پیش این فضای پادگانی نفت را کارگران شکستند و اعتصابات، اعتراضات آنها مرتباً جریان دارد. بخش های مختلف کارگران رسمی، ارکان ثالث، پروژه ای و قراردادی همه و همه در مقاطع مختلف اعتراضاتی داشته اند و خواستههایشان را مطرح کرده اند. و پیمانکاران و کارفرمایان و دولت را زیر فشار جدی قرار داده اند. این اعتراضات ادامه اش و تاثیراتش بسیار بسیار دراز مدت و همه جانبه خواهد بود و هر کسی که به این اوضاع نگاه کند متوجه جایگاه عمیق اعتصابات کارگران نفت خواهد شد. سال گذشته صد هزار کارگر پروژه ای نفت اعتصاب کردند و الان هم چشم اندازی که وجود دارد اینست که این اعتصابات ابعاد گسترده تری پیدا کند. و همانطور که اشاره شد تاثیرات خود را بر بخش های دیگر کارگران شاغل در نفت و حتی بر روی وضعیت اقتصادی حکومت خواهد گذاشت. که بسیار مهم است.

**سیمای بهاری:** در ادامه صحبت ها راجع به تاثیرات اعتصابات کارگران نفت بر روی بخش های مختلف بیشتر صحبت میکنیم. اما برگردیم بر روی موضوعات مطالبات کارگران اعتصابی نفت که شهبلا دانشفر به آن ها اشاراتی داشتند. اما خوبست کمی بیشتر بر روی این موضوع تمرکز کنیم. وقتی کارگران میگویند بهبود شرایط کار، بهبود حقوقها، یا مثلا دست پیمانکاران کوتاه شود، کمی بیشتر توضیح دهید. این یعنی چه؟

**شهبلا دانشفر:** همانطور که اشاره کردم یک مطالبه کارگران اعتصابی نفت خواست افزایش دستمزدهاست. و این یک مطالبه سراسری کارگران در ایران است. نرخ تورم و قیمت ها، و هزینه های زندگی سرسام آور است و هر روز صعودی بالا میرود و این مستقیماً روی وخامت بیشتر زندگی کارگران و مردم تاثیر میگذارد. بویژه الان بحث ما بر سر کارگران پروژه ای نفت است و در آنجا علیرغم همه اینها پیمانکاران مفتخور



از صفحه ۷

## کارگران نفت پر قدرت ...

در نفت حتی همان ۳۵ درصد افزایش حقوقی هم که شورایی عالی کار تعیین کرد و چند برابر زیر خط فقر است را قبول نکرده اند. از همین رو کارگران میگویند همانطور که قیمت هزینه های زندگی رشد داشته باید مزد ما نیز افزایش یابد. این کارگران در بیانیه هایی که قبلا داده بودند اعلام کرده بودند که اگر نرخ تورم اعلام شده دولت ۴۵ درصد است باید بر دستمزد حداقل بگیران و تمام سطوح مزدی، دستمزدها ۴۵ درصد افزایش داشته باشد. الان هم به عنوان گام فوری میگویند ۳۵ درصد افزایش مزدی اعلام شده شورایی عالی کار باید اجرایی شود. بعلاوه این کارگران خواستار ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت هستند. بسیاری از کارگران پروژه ای برای کار در مراکز نفتی برای یک بازه زمانی مشخص از شهرهای دیگر می آیند و در کمپ ها اقامت دارند. با این خواست میخواهند فرصتی برای بودن با خانواده را داشته باشند. قبلا میگفتند بیست روز کار و ده روز استراحت. ولی این ساعت کاری بسیار فشرده بود و اکنون با مطالبه ۱۴-۱۴ جلو آمده اند. در دوره های قبلی کارفرمایان در جاهایی عقب نشینی هایی کردند. ولی خیلی جاها عملی نکردند و زیر قول و وعده هایشان زدند. الان کارگران اعتصابی نفت بر سر این مطالبه خود مصر هستند. بویژه فصل کار کارگران در گرمای سوزان و جهنمی تابستان است. در گزارشی گرمای هوا را بالای ۶۰ درجه نشان میداد که باور کردنی نیست. بدون اینکه از امکانات لازم سرمایشی و کمپهای مناسب برای اقامت برخوردار باشند و بهبود کمپ ها و مجهز کردن آنها و محیط کار به تجهیزات لازم تهویه هوا و سرمایشی یک مطالبه مهم این کارگران است. ما سال گذشته شاهد بودیم که یکی از کارگران بخاطر گرمای سوزان دچار ایست قلبی شد و بسیاری از کارگران کارشان به بیمارستان کشیده شد. کمپ ها و اماکن عمومی و زیستی در مراکز نفت بشدت غیر استاندارد و غیر بهداشتی هستند. در یک اطاق تعدادی بالاتر از ظرفیت اطاق در آن اسکان دارند. اینها همه موضوعات اعتراض کارگر بوده است. بعلاوه اینکه نا امنی کار یک درد دیگر این کارگران است. نفت مثل یک بمب است و همواره در خطر آتش سوزی قرار دارد و آلودگی هوا، آلودگی صوتی، سرو کار داشتن دائم با مواد شیمیایی، همه و همه خطراتی هستند که جان و سلامت کارگران را تهدید میکنند. خواست ایمنی محیط کار خواست سراسری کارگران است. و بالاخره مطالبه حذف پیمانکاران است که چنین محیط جهنمی از کار برای کارگران ایجاد کرده و مورد استثماری حداکثری قرار میدهند. بخش اصلی این پیمانکاران از سپاه پاسداران و دارو دسته ها و باندهای حکومتی هستند. کارگران خواستار کوتاه شدن دست مافیای پیمانکاران از مراکز کاری هستند. و ما میدانیم صنعت نفت از نظر اقتصادی و سیاسی بسیار مهم است. هزاران کارگر در مراکز مختلف نفتی کار میکنند. در نتیجه اعتصاب آنها ضربه اقتصادی سنگینی به حکومت میزند. از همین رو بالاترین کنترل امنیتی بر مراکز نفتی حاکم است و یک مطالبه مهم این کارگران پایان دادن به فضای پادگانی نفت است و با مبارزات تا کنونی خود بدرجه زیادی این فضا را شکسته اند. نتیجه اینکه درست است که کارگران پروژه ای نفت سه خواست فوری را طرح کرده اند ولی همه این مطالبات بر زمین مانده و پیگیرش هستند.

**انترناسیونال:** با توجه به اینکه بخش های دیگر نفت هم متناوبا اعتراضاتی داشته و پیگیر مطالباتشان هستند، اعتصاب هزاران کارگر پروژه ای نفت چه تاثیری بر فضای اعتراضی نفت و جامعه میگذارد؟

**کاظم نیکخواه:** همانطور که قبلا اشاره کردم اعتصابات نفت مورد توجه جدی جامعه است و طبعاً روی اقتصاد جمهوری اسلامی که اقتصاد بسیار داغان و فلجی هست نیست تاثیر خیلی مهلکی برای حکومت دارد. ولی جدا از این کلا توجه مردم،

توجه کارگران، توجه معلمان، دانشجویان و توجه بخش های مختلف مردم به نفت بسیار است. این اعتصابات روحیه اعتراضی را در جامعه و جنبش کارگری بالا میبرد. و بالا برده است. و در فضایی که مردم مستقیماً مقابل حکومت دارند با اسم و رسم از سرنگونی، از انقلاب زن زندگی آزادی، از برابری زن و مرد، از دور انداختن حجابها، دفاع میکنند، اعتصابات و اعتراضات کارگران نفت که در ابعاد هزاران نفره جریان پیدا میکند، تاثیر بسیار مهمی در جامعه دارد. تاثیری که همه جا محسوس است و همه جا قابل توجه است. نفت از همان سال ۵۷ مورد توجه قرار گرفت بعنوان رهبر سر سخت ما و الان در چند سال گذشته با شکسته شدن فضای پادگانی این اعتصابات و اعتراضات ادامه دارد. و به نظر من این چشم انداز هست که در خود نفت نیز ابعاد گسترده تر و سراسری تری بخود بگیرد. همین الان شورای اتحاد کارگران نفت تشکیل شده که از همه بخش های کارگران شاغل در نفت یعنی نمایندگانی از کارگران پروژه ای، رسمی، ارکان ثالث، قراردادی همه و همه در آن گرد آمده اند و بر سر خواستها و مبارزاتشان با یکدیگر هم نظری میکنند. علاوه بر این شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و ارکان ثالث از چند سال پیش شکل گرفته اند. به این ترتیب چشم اندازی که هست اینست که ما شاهد اعتصاب سراسری و فراگیر و سازمان یافته کارگران نفت در آینده نه چندان دور باشیم. چون همه این بخش ها خواستهایی دارند که پاسخ نگرفته است. خواستهایی دارند که مشترک و سراسری هستند. و خواستهایی دارند که حکومت و پیمانکاران امکان پاسخ دادن به آنها را ندارند. بطور مثال حذف پیمانکاران یعنی حذف بخش های زیادی از آقازاده ها و پاسداران و سران حکومت که هر کدام گوشه ای از نفت را تصاحب کرده اند و دارند چپاول میکنند. تحقق این مطالبه برای حکومت قابل عملی کردن نیست و در عین حال برای کارگران بسیار حیاتی است که آنرا عملی کنند. در نتیجه یک جدال جدی و اساسی با حکومت، با پیمانکاران، با کارفرمایان، جریان دارد که در ادامه اش ما شاهد اعتصابات بیشتر از صد ها هزار نفره کارگران در نفت خواهیم بود. و میتواند کمر رژیم را بشکند. فضای جامعه را میتواند بسیار متحول کند. به پوستن بخش های دیگر کارگری، کارگران فولاد، و معلمان و پرستاران و غیره و به اعتصابات سراسری منجر شود. و نتیجه آن یک بیگ بنگ عظیم در فضای انقلابی جامعه خواهد بود.

**انترناسیونال:** جایگاه اعتصابات در نفت را در فضای عمومی جامعه چگونه ارزیابی میکنید؟ به فضای انقلاب زن زندگی آزادی اشاره شد و ما شاهد یک جامعه معترض هستیم. این اعتصابات در این فضا چه تاثیرات مشخصی خواهد داشت؟

**شهلا دانشفر:** به درجه ای در سوالات قبلی به این مساله اشاره شد. در این فضای انقلابی جامعه خصوصاً همین الان که سیرک انتخاباتی حکومت به پا شده و جامعه حرفش اینست که رای ما سرنگونی است و انتخاب ما انقلاب زن زندگی آزادی است، اعتصاب کارگران نفت بسیار بسیار مهم است. از جمله می بینیم تشکلهای مختلف کارگری و مردمی بازنشستگان، معلمان، پرستاران، مدافعین حقوق زن، فعالین انقلاب زن زندگی آزادی، ال جی بی تی کیوها، خانوادههای دادخواه از کردستان و نهال دادخواهان، آسیب دیدگان در انقلاب زن زندگی آزادی، هنرمندان،





از صفحه ۸

## کارگران نفت پر قدرت ...

ندای زنان ایران و دیگر نهادهای مختلف مبارزاتی مردمی بیانیه داده و با گفتن اینکه شرکت در انتخابات مشروعیت بخشیدن به سرکوبها و اعدامهاست و پیام ما شرکت نمیکنیم را سر میدهند. می بینیم که کارگر نیشکر هفت تپه پیام میدهد و میگوید کارگران هفت تپه در این انتخابات شرکت نمیکنند. گوهر عشقی مادر دادخواه پیام میدهد و میگوید مردم در انتخابات شرکت نکنید. اسماعیل بخشی همین پیام را میدهد و این فریاد از همه جا شنیده میشود و در درون زندانها نیز بلند است. در این شرایط جایگاه اعتصابات کارگران نفت بیشتر روشن میشود. در همین شرایط است که شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در حالی که گزارش اخبار اعتراضات را میدهد، بر خواستهای فوری کارگران پروژه ای نفت تاکید کرده و با اشاره به اینکه چندین دهه است که پیمانکاران چنین وضعی را بر سر این کارگران آورده و هر دولتی که آمده همین سباسب را بر پا کرده است، در واکنش به سیرک انتخاباتی حکومت با شعار "رای بی رای" گفته اش را پایان میدهد. و در جریان همین مضحکه انتخاباتی حکومت است که هزاران کارگر نفت در اعتصابند و این خود جایگاه اعتراضات کارگران نفت و پیوند عمیق آنرا با فضای انقلابی جامعه نشان میدهد. میخوام بگویم که اعتصاب هزاران نفره کارگران نفت اتفاقی است که بعد از انقلاب زن زندگی آزادی و بعد از تعمیق و گسترش آن در اعمق جامعه در این مرکز کلیدی کارگری شاهدش هستیم. این اعتراضات در ادامه اعتراضاتی که بازنشستگان داشتند، معلمان داشتند و بخش های مختلف جامعه داشتند شکل گرفته است. در متن چنین شرایطی یک چنین اعتصاب گسترده ای که در یک مرکز اقتصادی کلیدی جمهوری اسلامی روی میدهد یک اتفاق سیاسی بسیار مهم است. توجه ها را وسیعاً به خود جلب کرده است. اخبار آن در سطح جهانی بازتاب پیدا کرده است و این خود یک گام بزرگی جنبش کارگری را جلو میبرد. توازن قوا را به نفع اعتراضات مردمی و گسترده تر شدن اعتراضات و اعتصابات سراسری در سطح جامعه و در نفت بهبود می بخشد. در خود نفت تحركات اعتراضی را شدت میدهد. از جمله کارگران ارکان ثالث مدتهاست که بر سر کوتاه شدن دست پیمانکاران اعتراض دارند. کارگران رسمی نفت در اعتراض به تعرضات معیشتی حکومت از مهر ماه در اعتراض هستند. بنابراین الان کارگران پروژه ای و قرارداد موقت و رسمی و غیره و غیره میتوانند کنار هم قرار گیرند و با قدرت بیشتری اعتراضات خود را به جلو ببرند. و چنین اتفاقاتی میتواند تاثیر مهمی بر داغ شدن فضای اعتراضی در کف خیابان ها داشته باشد. از همین رو این اعتصابات یک اتفاق مهمی است هم در تعمیق روند انقلاب و هم به لحاظ مطالبات که بخش های گسترده ای از کارگران را به تحرک در می آورد. چرا که به گفته خود حکومتیان ۹۳ درصد استفاده ها از طریق همین قراردادهای پیمانی و موقت است که موضوعات مهم اعتراضات کارگران نفت است. و یا خواست افزایش دستمزدها از سوی کارگران نفت یک قدم مهم این جنبش را در سطح سراسری جلو میبرد. و در راستای همان شعار است که بازنشسته در کف خیابان سر میدهد. شعار اتحاد اتحا علیه فقر و فساد. با توجه به همه اینها جایگاه و اهمیت مبارزات کارگران نفت بسیار مشهود است.

کاظم نیکخواه: کار اساسی همین است که فراخوان بدهیم و تلاش کنیم که توجه بخش های مختلف جامعه را به اهمیت حمایت از این اعتصابات جلب کنیم. مردم همه میدانند. بخش های مختلف کارگران و معلمان و پرستاران و غیره بر اهمیت این اعتراضات واقفند که چه جایگاه ویژه ای این مبارزات دارند. اما اینکه میتوانند خودشان هم مستقیماً وارد این جدال بشوند و فضای دفاع و همبستگی با کارگران نفت را بیشتر و بیشتر دامن بزنند، و فضای همبستگی جایگاه سیاسی بیشتر در این شرایط دارد باید توضیح داد و همین الان شورای بازنشستگان ایران از این اعتراضات پشتیبانی کرده اند، این حمایت ها باید گسترش یابند. در رسانه های اجتماعی اخبار این اعتراضات بازتاب گسترده ای پیدا کرده است. به نظر من تمام تشکلهای کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان مستقیماً با بیانیه هایشان میتوانند بگویند که از کارگران نفت و مبارزاتشان پشتیبانی میکنند و بر اهمیت و جایگاه ویژه این اعتراضات تاکید بگذارند و اخبار این اعتراضات را وسیعاً بازتاب دهند. این اقدام خود بر کل فضای سیاسی جامعه و بر خود جنبش کارگران و معلمان تاثیر میگذارد. در سطح بین المللی هم تمام کسانی که با نهاد ها و تشکلهای کارگری و پیشرو در سطح دنیا ارتباط دارند، مهم است که این حرفها را بازتاب دهند. ما خودمان که فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی هستیم و مرتباً اخبار اعتراضات کارگران نفت را به انگلیسی ترجمه میکنیم که در سایت لیبراستارت که سایت بین المللی کارگری هست انعکاس میدهم و الان اگر شما روی این سایت بروید و جستجو کنید می بینید که خبر نفت با لینک منبع آن که "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" است، ۹۰ درصد اخبار را تشکیل میدهد و بالای صفحه ظاهر میشود. این کار را هر کس که در دنیا فعالیت دارد و با اتحادیه ها سر و کار دارد میتواند انجام دهد که در همه جای دنیا ما شاهد دفاع از کارگران نفت باشیم. اینها یعنی تقویت این حرکتی که ستونی است در جامعه و بعد کمک کردن به گسترش آن که من فکر میکنم کاملاً عملی است. و می توانیم خیلی زود به نتایج ملموسی برسیم. به هر حال باید فوراً و فوراً از اعتصاب کارگران نفت بعنوان معلم، بعنوان کارگر، بعنوان پرستار و بازنشسته و غیره و غیره حمایت کرد.

آخرین نکته من اینست که با توجه به جایگاه و اهمیت اعتصابات کارگران نفت در جنبش کارگری و در فضای سیاسی جامعه که مفصل در مورد آن صحبت کردیم، من از همه فعالین و رهبران کارگری در داخل کشور میخواهم که در جهت جلب وسیعترین حمایت های اجتماعی و بین المللی از این اعتراضات تلاش کنند.

**به حزب کمونیست  
کارگری بپیوندید!**

تلگرام: @wpi\_tamas  
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲  
tamas.wpi@gmail.com

**کارگر کمونیست**

مسئولیت مطالب با نویسندگان  
انهاست. درج مقالات در کارگر  
کمونیست لزوماً به معنی تأیید  
مضمون آنها از جانب نشریه نیست

انترناسیونال: شما هم حتماً با من هم نظر هستید که اگر بخش های مختلف اعتراضی جامعه که شهلا دانشفر هم اشاراتی داشت، بازنشستگان، معلمان، کارگران نیشکر هفت تپه، کارگران فولاد، اگر همه اینها بیایند و از اعتراضات کارگران نفت حمایت کنند یعنی بصورت یک تن واحد در بیایند حتماً موثرتر خواهد بود. چه کار میشود کرد که بخش های مختلف اعتراضات در جامعه را به اعتصابات کارگران نفت بتوانیم پیوند دهیم؟ هماهنگ کنیم و بخواهیم که این اتفاق بیفتد؟ تأکيدات شما چیست؟

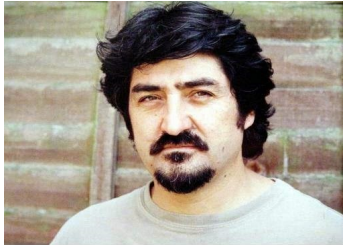


## سیزدهمین روز اعتصاب بیش از ۲۲ هزار کارگر پروژه ای پیمانی نفت در ۱۱۸ شرکت نفت و گاز - کمپین 14-14

- ۱- شرکت اطمینان سازه از پروژه چشمه خوش دشت عباس پیمانکاری داودی
  - ۲- داربست بندهای شرکت نمین پیمانکاری رضا راکی و پیمانکاری زمان پور
  - ۳- پایبینگ کاران پتروشیمی پارس عسلویه شرکت پناه صنعت پیمانکاری فرشیدباقر پور
  - ۴- پالایشگاه اصفهان شرکت جهانپارس ۵- شرکت «ان جی ال» دشت عباس
  - ۶- پایبینگ کاران شرکت جهانپارس سایت ۱ بوشهر
  - ۷- کارگران برق و ابزار دقیق شرکت اکسیر فاز ۱ پترو پالایش کنگان
  - ۸- صنایع شیمیایی اصفهان ۹- کارگران پروژه ای ده شیر یزد
  - ۱۰- پتروشیمی چابهار رامپکو پیمانکاری تیمور پایمردی و سعیدی نژاد
  - ۱۱- جوشکار، فیتزر، داربست بند، مونتاژ کار شرکت طرح بازرسی جفیر پیمانکاری کیانی
  - ۱۲- کارگران «ای جی سی» دشت عباس
  - ۱۳- فیتزرکاران پتروشیمی سلمان فارسی ماهشهر پیمانکاری مرادی
  - ۱۴- جوشکاران فاز ۱۴ عسلویه ۱۵- کارگران پروژه ای اندیمشک
  - ۱۶- جوشکاران شرکت کوهساران بهبهان خط ۴۲ اینچ مارون ۲
  - ۱۷- پالایشگاه تهران پیمانکاری رحمت شمس
  - ۱۸- کارگران شرکت فولاد کوشان ۱۹- کارگران نیروگاه رودشور
  - ۲۰- داربست بندان پالایشگاه تهران پیمانکاری دادجو
  - ۲۱- داربست بندان پالایشگاه ادیش شرکت ستاره تاراز
  - ۲۲- شرکت نفت سپاهان اصفهان پیمانکاری فرزین مرادی
  - ۲۳- شرکت رگبی نفت سپاهان اصفهان
  - ۲۴- کارگران پیمانکاری پیروزی نفت آفتاب
  - ۲۵- رژیون صنعت بندر جاسک پیمانکاری گلزاری
  - ۲۶- جوشکاران پتروشیمی اسلام آباد غرب شرکت استیم
  - ۲۷- جوشکاران و مونتاژکاران شرکت صدرا ای بندر جاسک
  - ۲۸- جوشکاران، فیتزر، داربست بندان اکسیر صنعت سایت مهستان
  - ۲۹- جوشکار، فیتزر، داربست بندان پتروشیمی آلیم
  - ۳۰- جوشکاران برق شرکت ابتکار نصب زاگرس
  - ۳۱- شرکت جهانپارس پتروشیمی صدف در عسلویه
  - ۳۲- داربست بندان پتروشیمی سلمان فارسی ماهشهر
  - ۳۳- اپراتور های جرثقیل و رانندگان اکسیر پتروپالایش سایت ۱
  - ۳۴- شرکت فولاد صنعت اطلس آغاچاری (نم زدایی)
  - ۳۵- کارگران بختیاری نیروگاه باقرشهر تهران
  - ۳۶- جوشکاران برق ابتکار نصب زاگرس
  - ۳۷- سپید دانه گستر فولاد توسعه سیرجان
  - ۳۸- فیتزرهای درخشان شیمی سایت ۱ ماهشهر
  - ۳۹- جوشکاران شرکت استیم پتروشیمی کرمانشاه
  - ۴۰- کارگران پیمانکاری عزیز پتروشیمی سلمان فارسی
  - ۴۱- نیروهای شرکت اکسیر فاز ۱۴ ۴۲- شرکت تکران قم پیمانکاری مهدوی
  - ۴۳- کارگران پیمانکاری محمد جواد رسن ۴۴- جوشکاران پتروشیمی دنا ساتراپ
  - ۴۵- شرکت کیان نصب پتروشیمی بوشهر سایت یک
  - ۴۷- شرکت شیمی گستر انشان - دشت عباس ۴۸- شرکت نوید بندر امام
  - ۴۹- دژگان صنعت بوشهر جزیره صدرا
  - ۵۰- برق و ابزار دقیق اکسیر صنعت پتروپالایش فاز ۱۴
  - ۵۱- میدان گازی هما پیمانکاری نجف پور شرکت انهار ۵۲- عمران ساحل
- ۵۲- بیش از ده هزار کارگر پارس ۱ و ۲ (عسلویه و کنگان)
  - ۵۳- داربست بندهای پتروشیمی نوری شرکت پتروکویار ایلام
  - ۵۴- شرکت های کیان سازه، ۵۵- پتروسازه تدبیر رویان ۱۹۰ نفر
  - ۵۶- شرکت ستاره پارزا و مبین ترک ۲۵۰ نفر ۵۷- ۶۰ نفر در پالایشگاه ۱۳
  - ۵۸- سایت ۱ پتروشیمی بوشهر ۳۵۰ نفر (گیلان میکا، کیان نصب، فراسکو)
  - ۵۹- پتروشیمی دالاهو ۳۵۰ نفر ۶۰- مجتمع فولاد کویر آران بیدگل
  - ۶۱- شرکت سرمست مکانیک هفشجان ۶۲- شرکت NGS گهر سیرجان
  - ۶۳- داربست بندان دژپاد فولاد کویر کاشان ۶۴- شرکت های فولاد کوشان
  - ۶۵- جوشکار، فیتزر، داربست بندان پتروشیمی پارس سپاهان شهرضا
  - ۶۶- پتروشیمی کاویان شرکت پارس قدرت ۶۷- آزمون فلز،
  - ۶۸- داربست بندهای اکسیر صنعت پتروپالایش سایت 3
  - ۶۹- جهادگران سایت 1 پتروپالایش، ۷۰- سایت ۱ پتروشیمی شرکت کیان سازه،
  - ۷۱- شرکت راوین، پروژه سیزآب و اندیمشک
  - ۷۲- نگین تیان پارس پیمانکاری دهقان
  - ۷۳- باقی جوشکاران، برق و ابزار دقیق نیروگاه رودشور
  - ۷۴- بخشی از کارگران پتروشیمی کیمیا
  - ۷۵- شرکت رامگو اسکله چابهار ۷۶- ساینا صنعت چابهار
  - ۷۷- جوشکاران و فیتزرهای پتروشیمی ایران و ژاپن ماهشهر.
  - ۷۸- آذرب، ۷۹- زلال ایران، ۸۰- اکسیر صنعت ۸۱- ممتاز گستر،
  - ۸۲- مخازن سبز ۸۳- عمران ساحل، ۸۴- پتروسازه تدبیر رویان،
  - ۸۵- ستاره تاراز مبین، ۸۶- پالایشگاه فاز ۱۳ ۸۷- پیشگامان سیراف،
  - ۸۸- گیلان میکا ۸۹- کیان نصب فراسکو
  - ۹۰- کارگران قالب بند، داربست، نصاب تجهیزات، جوشکار، برق و ابزار دقیق نیروگاه سیکل ترکیب چادرملو اردکان ۹۱- بخشی از کارگران ماشین سازی ویژه
  - ۹۲- فروزان فراندیش از فولاد توسعه گل گهر سیرجان
  - ۹۳- رستاک پویا از توسعه فولاد سیرجان
  - ۹۴- جمعی از کارگران شرکت ODCC پالایشگاه نفت سپاهان
  - ۹۵- بخشی از کارگران پالایشگاه جنوبی اصفهان
  - ۹۶- اسکله شهید رجایی پیمانکاری نوری
  - ۹۷- کارگران پروژه ای پتروشیمی دماوند
  - ۹۸- پتروپالایش شرکت کیان سازه پیمانکاری شهرام کیانپور
  - ۹۹- شرکت آدیش در کنگان جنوبی ۱۰۰- کارگران طرح توسعه کنگان
  - ۱۰۱- کارگران راکتور سازی اهواز ۱۰۲- پتروشیمی هرمز
  - ۱۰۳- پتروشیمی بوشهر ۱۰۴- پتروشیمی صدف، فاز ۱۴ سایت ۱،
  - ۱۰۵- شرکت آمن پتروشیمی نوری ۱۰۶- شرکت الفین سایت 1 بوشهر
  - ۱۰۷- بخشی از داربست بندان فاز ۱۴ شرکت پایندان
  - ۱۰۸- شرکت پارسیان سازه ایرانیان از پتروشیمی کیان
  - ۱۰۹- جوشکاران، سنگ زن ها، داربست بندهای سایت مخازن ۹۷ و ۹۸
  - ۱۱۰- شرکت عتیق تجارت برادران نوری ۱۱۱- نیروگاه سیکل ترکیبی ارومیه
  - ۱۱۲- شرکت پترو تکسان صنایع شیمیایی LAB ۱۱۳- کارخانه سیمان لردگان
  - ۱۱۴- ارگران شرکت آتروپات قرارگاه خاتم در جفیر
  - ۱۱۵- کارگران شرکت کیسون در بندرعباس ۱۱۶- کارگران شرکت پیشرو جوش ایرانیان جنوب ۱۱۷- جمعی از کارگران پروژه ای پتروشیمی هنگام ۱۱۸- بخشی از کارگران شرکت اساف مستقر در بین لامرد و مهر



## کمونیسم منصور حکمت



گیری و سازمان یافتن آن نقش مهمی داشت، با خود داشت، به پشتوانه آنها به اقلیت تشکیلات حمله نمی برد. نقدش را میگفت تا گره کار گشوده شود، و حزب را برای حزب داری نمی خواست؛ و چنانچه این نقد به عمل منجر نمی گردید، خیلی ساده و متمدانه "قلمش" را بر میداشت و آن تشکیلات را ترک میکرد، تا جای دیگر تشکیلات مناسبتری برای پیش برد عقایدش شکل بدهد. عقایدش را برای ثبت در تاریخ، یا به جا گذاردن سخنان قصاری در متن تاریخ ابراز نمی کرد، به عنوان یک سوسیالیست عقاید از نظر او باید "نقدی بر نظام سرمایه داری، باید ابزاری برای درک جامعه و جهان بیرونی و ترسیم خطوط مبارزه سوسیالیستی باشد." (حزب کمونیست و عضویت کارگری)

"سلاح نقد" همانگونه که مارکس تعریف کرده بود بخواهد نقد زمینی و نقد سیاست باشد تا به "نیروی مادی" و زمینی و واقعی تبدیل شود، برای منصور حکمت پیش فرضی جا افتاده بود. چرا که این گفته مارکس را باور داشت: "نظریه همین که توده ها را فرا گیرد به نیروی مادی تبدیل میشود. نظریه زمانی توده ها را فرا خواهد گرفت که به دل توده ها بنشیند و زمانی به دل توده ها خواهد نشست که رادیکال باشد."

رادیکال بودن اما به این معنا نبود که تئوری (نظریه) را به شعارهای دهان پر کن تبدیل کند. رادیکال بودن نه برای "دعوت به خشونت"، چنانکه نظریه پردازان بورژوازی جلوه میدهند بلکه به این معنی که "... هیچ چیزی با شکوهتر از رادیکالیسمی که به قدرت رسیده است، نیست... یک روزی که یک نفر میرود پشت تریبونی و برده داری را لغو میکند را در نظر بگیرید و فکر کنید پای این تریبون هستی یا اصلا بهتر فکر کنید خودتان دارید آنرا اعلام میکنید. فکر کنید خودتان پای تریبون رفته اید و لغو برده داری را اعلام میکنید. بغض گلویتان را میگیرد."

جایگاه تئوری برای او احکام جبری و غامض نبود که باید به آنها قسم خورد که در این صورت "تئوری به احکامی برای رد و قبول تبدیل میشود." در مقاله "حزب کمونیست و عضویت کارگری" تاکید میکند: "... فهم تمام اراجیفی که به اسم مارکسیسم از کارخانه های فکری بورژوازی و کارگاههای خرده بورژوازی روانه بازار عقاید میشود، برآستی به ذهن مبهم، ابهام تراش و دنیاندیده روشن فکر بورژوا و خرده بورژوا احتیاج دارد. قانع کردن کارگر به اینکه باید برای اینها جان خود را برکف بگیرد بطور قطع کار بسیار دشواری است. چپ رادیکال با این واقعیت مواجه است که حتی وقتی این آرمانها را به زبان خردسالان بیان میکند، حتی وقتی تئوری را به حکمت عامه تنزل میدهد، باز کارگر آن را نمیفهمد." و در همین مقاله تاکید میکند: "مانیفست کمونیست، تئوری مارکس درباره ریشه های استثمار در جامعه سرمایه داری، تئوری حزب کارگری، تئوری انترناسیونالیسم کارگری، تئوری مارکسیستی دولت و نظایر آن طبعاً برای کارگر قابل فهم است، متون کلاسیک مارکسیستی برای ترویج در محافل کارگری حتی غالباً نیازی به ساده شدن ندارند. یک ترجمه روان در بیشتر موارد کفایت میکند."

تئوری برای قاب کردن و به دیوار کوبیدن و فهم آن، سند افتخار نیست وقتی

## کمونیسم منصور حکمت، تئوری زندگی

یاشار سهندی

هستند کسانی خود را متعلق به جنبش کمونیسم کارگری میدانند، جنبشی که مهمترین نشانه آن، فراخوان آن، متشکل شدن در حزب کمونیستی است، اما ایشان با افتخار خود را "کمونیست کارگری منفرد" میدانند که متشکل شدن در حزب کمونیستی را بوسیده و کنار گذاشته اند، و چون خود کنار کشیده اند مدعی اند که حزب کمونیستی ای هم وجود ندارد و باید آنرا ساخت. در عین حالی هم که کوچکترین قدمی هم در این رابطه بر نمی دارند فراخوان میدهند: باید یاد گرفت مثل منصور حکمت شد! کسی که اساساً تلاش او در بازسازی کمونیسم مارکس برای این بود که انسانهای در پی رفع تبعیض و ستم که نتیجه کارکرد مستقیم نظام سرمایه داری حاکم که "لطف زندگی" را از بین برده است، در حزب سیاسی کمونیستی متشکل کند.

نقد او، نظریات او به سرعت پذیرفته میشد، چون هدف این نقدها تماماً برای سازمان دادن یک جنبش موجود بود، جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر. خود منصور حکمت هدف نقد را "... برسمیت شناخته شدن حزب کمونیست بعنوان ابزار گسترش اعتراض ضد سرمایه داری کارگر توسط خود جریان سوسیالیسم کارگری و کارگران کمونیست..." میدانست. (منصور حکمت-حزب کمونیست و عضویت کارگری) نقد او به دل می نشست، چون رادیکال بود و دست به ریشه میرد و جوابگوی نیازهای روزمره مسایل مبارزاتی روز کمونیستهای متشکل در سازمانها و گروههای کمونیستی و نهایتاً حزب کمونیستی معین بود. چیزی که اصلاً منصور حکمت نمیخواست این بود که دیگران به شکل او درآیند، بلکه فراخوان او به مخاطبان این بود که کمونیسم کارگری را متعلق به خود بدانند، تا بتوانید از آن دفاع کنید و آنرا گسترش بدهید. برایش بجنگید، بنویسید، سخنرانی کنید، سازماندهی کنید و چشم به دیگری نداشته باشید که بیاید حرف آخر را بزند.

شکل گیری جنبش کمونیسم کارگری بیش از هر کسی مدیون منصور حکمت است. اوست که مبانی آنرا را در نقد جنبش های دیگر که با نام مارکسیسم فعالیت میکردند توضیح داد، آنرا شکافت و بسط داد و این کمونیسم را به نیروی مادی و زمینی در دنیای سیاست ایران و در مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه تبدیل کرد. و بیش از هر کسی اما خود از این وضعیت، که "همه چیز به او گره خورده" راضی نبود! میتوانست راضی باشد، تشکیلاتی شکل گرفته بود، تشکیلات قوی و سازمان یافته، که کارش را خوب بلد بود، او میتوانست در باد این موفقیت بخوابد، برای خودش حق "رفیق بنیان گذار" را برسمیت بشناسد، به چپ چپ و به راست راست کند، خلاصه کلام خودش را تبدیل به رهبر یک فرقه کند. اما او "قصد جا گذاشتن کتیبه هایی در خاک جهان که بعداً آیندگان آن را کشف کنند و به سطح فکر و انساندوستی ما احسن بفرستند..." نداشت.

او عشق به قدرت نداشت، در شخصیت و دستور کارش اصلاً این نبود که فرمانی را خطاب به "رفقای حزبی" صادر کند و بعد حساب کشی کند که کی چقدر "وفادار" است یا نیست. در آخرین سخنرانی اش در دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری تاکید میکند برای تک تک رفقای حزبی اش احترام قابل است و به آنها افتخار میکند و به همین جهت هر گاه به نتیجه ای میرسد که برای پیشبرد مبارزه سیاسی و حزبی ضروری میدانست، به قول خودش راهش را کج میکرد و با این و آن تماس میگرفت و آنرا توضیح میداد. سخنرانی میگذاشت، "متدولوژی اش را میگفت و جواب منتقد احتمالی را میداد"، چون برایش مهم بود که "عقایدشون با او یکی بشود"، نه اینکه شکل او بشوند تا پای کار بیایند. وقتی اکثریت تشکیلات کل حزبی که در شکل



## کمونیسم منصور حکمت، ...

از صفحه ۱۱

است باید خود آن جنبش را یک جنبش سترون و سملهایش را دست نیافتنی سازند. درست خلاف منصور حکمت که همه آدمهای منصف را به سوسیالیسم درون خودشان توجه میداد، آنجا که تاکید کرد: "هرکدام از ما در بهترین لحظات زندگیمان آنجائی که شریفترین احساس را نسبت به خودمان داریم و فکر میکنیم، پاکیم، معصومیم، انسانیم، در آن لحظات چه میخواهیم؟ آیا کسی در آن لحظات طرفدار کاهش دستمزد است؟ میگوئیم کاشکی همه مردم همه چیز داشته باشند، میگوئیم کاشکی کسی مریض نشود. قطاری تصادف میکند خودمان را جای پدر و مادر بچه‌هایی که کشته شده‌اند، جای کسی که نوه‌اش را از دست داده، جای کسی که معلول شده، حتی جای کسی که میتواند بخواند و دیگر نمیخواند چون حنجره‌اش زخمی شده است، میگذاریم. خودمان را مدام جای همدیگر میگذاریم و این سوسیالیسم است! اینکه میتوانیم خودمان را جای همدیگر بگذاریم. اینکه بطور مساوی من میتوانم جای شما باشم و شما میتوانید جای من باشید. من میتوانم درد تو را بفهمم و تو میتوانی درد مرا بفهمی. این سوسیالیسم است."

منصور حکمت تئوری را به عمیق ترین شکل انسانی ممکن به جلو صحنه راند، تئوری که میخواهد رادیکال باشد و به قول مارکس برای رادیکال بودن باید دست به ریشه برد و ریشه برای انسان خود انسان است. مسئله او رهایی انسان بود نه مثلا طرح توسعه صنعت و بومی سازی تولید و اعتبار بخشیدن به پاسپورت ایرانی و نجات کهن دیار، به قیمت زنده نماندن حتی یک تن در این بوم و برا! نفس زندگی برای کمونیسمی که منصور حکمت به دنبال آن بود مهم بود و هست. آدم یکبار دنیا میآید، یعنی یکبار میتواند این وجود خودش را تجربه کند. یکبار! یکبار فقط میتواند بخندد، بسازد، خلق کند، معاشرت کند.\*

او تئوری کمونیسم کارگری را غنا بخشید، نه برای زینت تاریخ، نه نام نیک برجا گذاشتن از خودش، مهمترین هدف او این بود که تئوری مارکس، کمونیسم کارگری نه تنها در دسترس همگان باشد، بلکه هر کسی که آنرا ابزار مناسبی برای مبارزه با ظلم و ستم حاکم مناسب یافت آنرا مال خود کند و در جهت دفاع و توسعه آن بکوشد. و مهمتر از آن در حزب کمونیستی متشکل شود که هدفش سازمان دادن و گسترش اعتراضات علیه نظام حاکم باشد.

در بیست و دومین سالگرد درگذشت منصور حکمت، جای خالی او بسیار احساس میشود به وقتی که اعتراضات آنقدر گسترش یافته و انقلاب در دستور کار جامعه قرار گرفته است، به وقتی که گفتمان او در شکل گیری آن نقش اساسی داشت و می‌رود که به گفتمان عمومی جامعه تبدیل شود، و در متن انقلاب زن زندگی آزادی جلوه‌هایی از آن را شاهد هستیم. یادش بخیر و گرامی باد.

\*\*\*

تمامی نقل و قولهای که منبع آن در متن ذکر نشده از سخنرانی‌های منصور حکمت در استهکلم سوند (آبان ۱۳۷۸) و گوتنبرگ سوند (فروردین ۱۳۷۹) که تحت عنوان "این حزب شماست" منتشر شده است.

نخواهد این تئوری به نیروی مادی زندگی بخش تبدیل شود. برای تبدیل کردن نظریه (تئوری) مارکسیسم به نیروی مادی، منصور حکمت وظیفه خود این را قرار نداد که آنرا "ساده" کند، نیازی به این کار نبود، چون نقد را به نقد زمینی سیاست تبدیل کرده بود. او نشان داد پشت مفاهیم غامض و پیچیده ای که چپ سنتی و اندیشمندان بورژوازی به اسم تئوری مارکسیستی و کمونیستی ساخته و پرداخته اند، سیاست معینی پیگیری میشود که کمکی به مبارزه طبقه کارگر نمی کنند و مانع مهمی بر سر مبارزه اوست و سیاستی برای رسیدن به اهداف جنبش های اجتماعی معینی است. بحثهای او منبع عظیمی از نقد مارکسیستی به مسایل روز جامعه و مسایل پیشرواری کمونیستها را شامل میشود؛ از نقد کمونیسم اردوگاهی، تا تبیین کمونیسم کارگری، حزب و جامعه، حزب و قدرت سیاسی، حزب و شخصیتها؛ تا علیه اعدام، انقلاب زنانه، حقوق کودک، تا همه مسایل ریز و درشت جنبش کارگری، و بسیاری از تحولات سیاسی از طلوع خونین نظم نوین، تا جنگ تروریستها، و و... شامل یک دوره بیست و دو ساله که از نقد پوپولیسم خلقی آنچه که "جنبش کمونیستی ایران" خوانده میشد تا بحث سلبی و اثباتی در روز قیام را پوشش میدهد. این بحثها همه گی انعکاسی از مسایل زمینی بود که کمونیستها درگیر آن بودند و پاسخ خود را میطلبید. اگر بحثهای منصور حکمت پذیرفتنی مینمود صرفا این نبود که به تئوری کمونیسم و تاریخ آن مسلط بود بلکه مارکس و تئوری کمونیسم را از زیر آوار کمونیسم بورژوایی بیرون کشید، که به قول لنین، از آن بت بی زبانی ساخته بودند که حالا یک حرفهایی زده بود اما قابل فهم نیست! منصور حکمت آن مارکسی را جلو چشم همگان گذاشت و آن تئوری ای را به جلو صحنه راند که بتواند در دسترس هر انسان منصفی باشد تا بتواند به مصاف نظامی برود که باعث و بانی همه ستمکاری و تبعیضات کنونی است. او مارکس را ساده نکرد اما نشان داد بحث مارکس ساده است و به زندگی روزمره ما گره خورده است: "... بحث تئوریک را مارکس کرده است که میگوید به ما میگویند میخواهید زنان را اشتراکی کنید، شما خودتان اینکار را کرده‌اید. اینها تئوریکترین بحثها است. وقتی میگوید کارگر کار میکند و نیروئی خارج از او قوی میشود و هرچه بیشتر کار میکند هیولای روی سرش سنگین تر میشود، این بحث تئوریک است..."

لازم نیست یاد بگیریم که مثل منصور حکمت شویم، که اساسا این شدنی نیست. اگر ممکن بود اینگونه شخصیتها را کپی کرد، تاریخ دیگر تاریخ نبود، دیگر تلاش انسانها برای تغییر بی معنی میگشت. این گونه فراخوانها، هر چه بیشتر دور کردن منصور حکمت از دسترس توده ها است. ساختن بت بر سر طاقچه ای است. این بت سازی اما بی دلیل نیست، کسانی که دست از مبارزه متشکل حزبی کشیده اند، اما هنوز در عین حال خود را متعلق به جنبشی میدانند که هدفش رهایی انسان



## کارگران در هفته ای که گذشت : تنظیم کننده کارگر کمونیست



- رضا شهابی فعال کارگری و عضو هیات مدیره سندیکای شرکت واحد برای ویزیت پزشک متخصص جراح

مغز و اعصاب به بیمارستان امام اعزام شد. دکتر بعد از رویت سی دی ام ار ای اعلام کرد دیسک ال ۴ پاره شده است و دیسک ال ۵ و ۳ وی بیرون زده و به کانال نخاع فشار می آورد و از طرفی کانال نخاع تنگ شده است و هر چه زودتر نیاز به جراحی دارد. پزشک متخصص جراح مغز و اعصاب نظریه و تشخیص خود را مکتوب به پزشک قانونی و بهداری زندان نوشته است. گفتنی است که رضا شهابی در ششم تیرماه نیز برای آزمایشات و سونوگرافی از لگن به بیمارستان رسول اکرم اعزام شده بود. قبلا نیز مهره های ۴ و ۵ او جراحی شده است. پس از اتمام آزمایشات فوق، پرونده پزشکی رضا شهابی به پزشک قانونی ارسال میشود تا نظریه نهایی نسبت به درمان، او در خارج از زندان اعلام گردد. جمهوری اسلامی در قبال جان و سلامت رضا شهابی مسئول است. رضا شهابی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

### جمعه ۸ تیر

- سازمان عفو بین الملل با انتشار بیانیه ای خواستار "آزادی فوری و بی قید و شرط" سسیل کولر، شهروند فرانسوی زندانی در ایران شد. او همراه با ژاک پاریس، دو عضو فدراسیون آموزش و فرهنگ سندیکای نیروی کار فرانسه هستند که در اردیبهشت ۱۴۰۱، پس از سفر به ایران بازداشت شدند. و با پرونده سازی کذابی جمهوری اسلامی همراه با آنها تعدادی از فعالین کارگری، معلمین و فعالین اجتماعی بازداشت شدند که بعضی هنوز در زندانند. اتهام آن جاسوسی است و در اواسط مهر ماه ۱۴۰۱ زیر فشار شکنجه، ویدئویی از اعترافات اجباری آنان توسط خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) منتشر شد که در ویدئو، آنها خود را "ماموران اطلاعات و عملیات سرویس امنیت خارجی فرانسه" معرفی کردند. از آن زمان تا کنون جمهوری اسلامی آنها را همچون گروگان در زندان نگاه داشته است.

### پنجشنبه ۷ تیر

- روز پنجشنبه هفتم تیرماه ۱۴۰۳ یک کارگر ساختمانی به اسم "عثمان امینی" ۵۰ ساله و اهل شهر بانه، در حین نصب و رفع اشکال کولر آبی بر اثر حادثه ناشی از کار و برق گرفتگی دچار جراحات شدید شده و جان خود را از دست داد. عدم ایمنی محیط کار همواره از کارگران قربانی میگیرد.

### چهارشنبه ۶ تیر

- اعتصاب هزاران کارگر پروژه ای نفت برای پیگیری مطالباتشان وارد هفتمین روز خود شد. در این تاریخ بیش از صد مرکز گاز و نفت کشیده شده و بیش از ۲۲ هزار کارگر وارد اعتصاب شدند.

- کارگران پروژه ای نیروگاه سیکل ترکیبی ارومیه به اعتصابات سراسری کمپین ۱۴/۱۴ ملحق شدند.

- در پی تیراندازی نیروهای نظامی به سوی جمعی از کولبران در مرز دوله شین از توابع بانه یک کولبر به اسم محمد کاکلی ۲۱ ساله، اهل روستای "دونیس" از توابع شهرستان بانه زخمی شد. طبق گزارشات نیروهای نظامی در حالی این کولبر را مورد هدف گلوله قرار دادند که سوار بر اسبش بوده و بر اثر این تیراندازی از ناحیه پا زخمی و همچنین اسب وی نیز کشته شده است. کولبران بخشی از کارگران بیکار هستند که بدلیل بی تامینی مطلق برای تهیه لقمه نانی به این کار خطرناک اشتغال دارند. و در

### دوشنبه ۱۱ تیر

- بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه های هر هفته در اعتراض به فقر و فساد و سرکوبگریهای حکومت و بی پاسخ ماندن مطالبات خود در شهرهایی چون تبریز، بیجار تجمع کردند.

- شماری از کارگران گروه ملی فولاد اهواز با خواست بازگشت به کار خود در تهران تجمع کردند. این کارگران در اسفند ماه گذشته در جریان اعتراضات قدرتمند کارگران فولاد اهواز علیه فساد مدیریت و با خواست افزایش فوری دستمزدها و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل از کار بیکار شدند. اعتراضاتی که در آن تمام بخش های این کانون داغ اعتراضی دست از کار کشیده و با راهپیمایی و فریاد شعارهای کوبنده خود بار دیگر خیابانهای اهواز را به لرزه در آوردند.

### یکشنبه ۱۰ تیر

- بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد در شهرهای مختلفی تجمع داشتند. تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در این روز در شهرهای کرمانشاه، تهران و اهواز برگزار شدند.

- بازنشستگان صنایع فولاد در شهرهای قائمشهر، شاهرود، تهران، اصفهان و اهواز تجمع کردند. اعتراض بازنشستگان به فقر، بی تامینی، فساد و بساط سرکوب و جنایت حکومت است. بازنشستگان با فریاد "اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد" صدای اعتراض همه مردم هستند. از خواستها و مبارزات بازنشستگان وسیعاً حمایت کنیم.

- فرهاد شیخی، فعال کارگری اهل سقز و ساکن کرج در دادگاه انقلاب به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به یک سال حبس، دو سال ممنوعیت خروج از کشور، دو سال اقامت اجباری در دیواندره و دو سال منع زندگی در استان های البرز و تهران محکوم شد. حکم صادره برای فرهاد شیخی باید فوراً لغو و پرونده امنیتی تشکیل شده برای وی بسته شود.

- بنا بر گزارشات منتشر شده در یازدهمین روز اعتصاب کارگران پروژه ای کمپین (۱۴-۱۴)، ریاست فدراسیون کارگری جهانی اینداستریال طی نامه ای سرگشاده حمایت خود را از این کارگران و مطالبات آنان اعلام حمایت کرد.

- کارگر بازنشسته اسماعیل گرامی بار دیگر به دادگاه کیفری شعبه ۱۰۲۷ دو شهید قدوسی تهران احضار شد. اسماعیل گرامی در بهار ۱۴۰۰ بازداشت و به مدت دو سال در زندانهای تهران بزرگ، اوین و رجایی دوران حبس خود را سپری کرد و در بهمن ۱۴۰۱ آزاد شد. او اکنون با همان اتهام و صدور کیفرخواست از سوی شعبه سوم ناحیه ۳۳ شهید مقدس باید در تاریخ شانزدهم تیرماه در شعبه ۱۰۲۷ مجتمع قضایی شهید قدوسی تهران حضور یابد.

### شنبه ۹ تیر

- مصطفی زمانی، فعال کارگری و کارگر جوشکار، که بیش از پنج ماه پیش توسط ماموران امنیتی در اصفهان بازداشت شده بود، همچنان در بلا تکلیفی و در زندان به سر می برد. مصطفی زمانی بید فوراً آزاد شود.

- جلسه محاکمه محمد حبیبی سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران، در دادگاه انقلاب شهریار برگزار شد. این دادگاه مربوط به پرونده بازداشت وی بخاطر اعتراض به مسمومیت های سریالی دانش آموزان است. در این جلسه اتهام اجتماع تبانی محمد حبیبی به تبلیغ علیه نظام تغییر کرد و محمد حبیبی و رامین صفرنیا وکیل او در رد اتهام وارده دفاعیات خود را ارائه دادند.



شد. رسانه‌های بین‌المللی خبر آزادی او را در راس خبرهای خود بازتاب دادند. آسانژ چون یک قهرمان پا به کشور زادگاهش استرالیا گذاشت و در رسانه‌ها پیشنهاد شده است که روز آزادی او هر سال تعطیل عمومی اعلام شود.

آسانژ بخاطر استفاده از آزادی بیان و در دفاع از آزادی بیان چهارده سال تحت تعقیب و فراری بود و نهایتاً توسط دولت انگلستان زندانی شد و رنج‌های بسیاری را متحمل شد که خود میتواند سوژه فیلم‌ها و کتاب‌های بسیاری باشد. دولت‌های آمریکا و انگلیس با تعقیب و زندانی کردن جولیان آسانژ و فشارهای غیرقابل تحمل و عظیمی که به او و خانواده‌اش وارد کردند، نشان دادند که حقوق بشرشان چقدر پا درهوا و دروغین است و هر جا با منافعشان خوانایی نداشته باشد به چه سرکوبگری تبدیل میشود.

آزادی امروز آسانژ نه به خاطر رحم و مروت این دولت‌ها، بلکه به دلیل فشار عظیمی بود که کارزارها و جنبش دفاع از آسانژ در جهان به آنها وارد کرد. جولیان آسانژ با سایت ویکی لیکس و افشاگری‌هایش دوره تازه‌ای را در جایگاه آزادی بیان و مدیای اجتماعی رقم زد و بدون تردید این تجربه سکوی مهمی در پیشروی جنبش دفاع از حقوق انسانی و آزادیهای سیاسی خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری آزادی جولیان آسانژ و موفقیت کارزار آزادی او را به همه مردم شادباش میگوید و امیدوار است که با مبارزات و کارزارهایمان بتوانیم در همه زندانها و شکنجه‌گاه‌ها در ایران و در هر گوشه جهان را بگشاییم و همه زندانیان سیاسی و عقیدتی را آزاد کنیم.

حزب کمونیست کارگری - ۶ تیرماه ۱۴۰۳، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۴

## جولیان آسانژ آزاد شد!

امروز چهارشنبه ۲۶ ژوئن جولیان آسانژ بینانگذار سایت افشاگر ویکی لیکس در جزیره سایپان در نزدیکی استرالیا بعد از یک دادگاه کوتاه مدت، آزاد شد و در استرالیا کشور زادگاهش مورد استقبال قرار گرفت. قبلاً با وکیل آسانژ در مورد این دادگاه توافق شده بود که به شرط پذیرش نقض قوانین ضد جاسوسی توسط آسانژ، او میتواند فقط به پنج سال زندان یعنی همان مدتی که در انگلستان زندانی بوده محکوم شود و بلافاصله آزاد گردد. آسانژ از سال ۲۰۱۰ یعنی از ۱۴ سال پیش تحت تعقیب دولت آمریکا به خاطر افشای اسناد جنایات نیروهای این کشور در عراق و افغانستان بود و هفت سال از این مدت را در سفارت اکوادور در انگلستان پناهنده بود و پس از آن ۵ سال نیز توسط دولت انگلستان در زندان فوق امنیتی بلمارش و عمدتا در سلول انفرادی نگه داشته شد. دادگاهی در آمریکا آسانژ را غیابا به نقض قوانین ضد جاسوسی متهم کرده بود و محکومیت ۱۷۵ سال زندان بالای سر او قرار داشت.

آسانژ جرمی مرتکب نشده بود بلکه جنایات و اقدامات ضد انسانی علیه مردم بی دفاع را افشا کرده بود و به خاطر افشاگری‌هایش مورد ستایش میلیون‌ها نفر از مردم جهان قرار گرفت. کارزارهای بزرگ و دهها هزار نفرهای در حمایت از او و برای آزادی، در کشورهای مختلف به جریان افتاد. او جایزه عفو بین‌الملل و جوایز دیگری را نیز نصیب خود کرد. انتشار ۷۵۰ هزار سند محرمانه از جنایات نیروهای آمریکا در عراق و افغانستان و گوانتانامو و برخی دیگر کشورها، از بمباران شهروندان غیر نظامی در این کشورها، شکنجه در زندانها، تجاوز و فساد و هزاران اقدام غیر انسانی دیگر، جهان را تکان داد و خشم دولت آمریکا و متحدینش را علیه آسانژ برانگیخت.

آزادی آسانژ که از دیروز اعلام شد موجی از شادی را در میان کاربران رسانه‌ها و مردم در گوشه و کنار جهان برانگیخت. مدیای اجتماعی از استقبال از آسانژ مالا مال

از صفحه ۱۳

## کارگران در هفته ای که گذشت...

این مسیر به جای نان گلوله نصیبشان میشود. جمهوری اسلامی قاتل کولبران است و این بخشی از پرونده قطور جنایات این رژیم است. تمامی کارگران بیکار و بدون درآمد و یا کم در آمد باید از مقرری ماهانه مکفی برخوردار باشند. درمان رایگان، تحصیل رایگان و داشتن مسکن حق مسلم همه مردم است. طبق گزارشات از ۱۲ خرداد تا دهم تیر دست کم ۱۰ کولبر در مرزهای کردستان کشته و یا زخمی شده‌اند و ۹۰ درصد این موارد با شلیک مستقیم ماموران جمهوری اسلامی صورت گرفته است.

- کارگران اخراجی پتروشیمی ارغوان گستر ایلام برای ۲۲مین روز با خواست بازگشت به کار مقابل استانداری ایلام تجمع کردند.

سه شنبه ۵ تیر

- بیست هزار کارگر پروژه ای نفت وارد اعتصاب شده اند. این اعتصابات از سی و یکم خرداد ماه استارتش زده شد. افزایش حقوقها، ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران مطالبه فوری کارگران پروژه ای پیمانی نفت است. بنا بر گزارشات در این تاریخ بیش از شش هزار نفر از کارگران پروژه ای نفت در مناطق عسقلویه و کنگان در پارس یک و دو وارد اعتصاب شده بودند. از جمله مراکز اعتصاب در این منطقه عبارتند از: پتروشیمی بوشهر، پتروشیمی صدف، پتروشیمی هرمز، پتروپالایش پیشگامان سیراف، فاز ۱۴ سایت ۱، اکسیر صنعت، آدیش جنوبی کنگان، و طرح توسعه کنگان.

- نرگس ملک‌زاده، معلم و فعال صنفی معلمان به دادسرای جرایم رایانه‌ای تهران

احضار شد. پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات یک مطالبه مهم معلمان است.

- امان جلالی‌نژاد، معلم ساکن اهواز، علیرغم گذشت بیش از ۷۹ روز از زمان دستگیری، کامکان به صورت بلا تکلیف در زندان شبیان این شهر در بازداشت بسر می‌برد. همچنین علیرغم اینکه بازپرس پرونده دستور رفع توقیف وسایل ضبط شده او را داده بود، حفاظت اطلاعات کامکان از تحویل آنها خوداری می‌کنند.

- یک کارگر روزمزد اهل مسجد سلیمان به نام فرهاد ابراهیمی‌نسب، ۴۰ ساله شاغل در پالایشگاه هشتم مجتمع گاز پارس جنوبی عسقلویه پیمانکاری شرکت ایکو در حین عملیات تعمیرات اساسی دچار سانحه شده و جان خود را از دست داد. درگذشت او را به خانواده اش و به همگان تسلیت می‌گوییم. عدم ایمنی محیط کار در مراکز نفتی همواره از کارگران قربانی می‌گیرد و ایمن شدن محیط های کار مطابق استانداردهای قابل قبول بین المللی مطالبه فوری کارگران نفت است.

دوشنبه ۴ تیر

- اعتصاب کارگران پروژه ای پیمان نفت وارد پنجمین روز شد. بیش از بیست هزار کارگر پروژه ای در نزدیک به نود شرکت نفت و گاز به اعتصاب پیوسته اند

- باننشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه های اعتراضی خود در شهرهای سنندج، بندرعباس، میروان تبریز در برابر ادارات مخابرات تجمع کردند.

- مالباختگان شرکت خودرویی کلاهدار "طراوت نوین ریحان تاک" در قزوین در برابر استانداری در اعتراض به بالا کشیده شدن پولهایشان تجمع کردند. از هزاران تن پول گرفته و از تحویل خودرو خودداری می‌کند.





## از خوزستان خبر میرسد؟

۱ تیر تا ۸ تیر ۱۴۰۳



کمیته سازمانده - واحد خوزستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran

### جمعه ۸ تیر

- همانگونه که انتظار میرفت، خالی بودن صندوق های رای در شهرهای مختلف، تو دهنی مردم در سراسر کشور به حکومت و مضحکه انتخاباتش بود. در شهرهای خوزستان نیز گزارشها از کسادى بساط انتخابات حکومت خبر میدهند. برای مثال در یک گزارش از گتوند خبر داده میشود که شعبه مسجد امام رضا خیابان استقلال، فقط دو نفر در صف بودند، درگتوند یک نفر، و در دزفول در شعبه خیابان جهاد بین مومن و جهاد مسجد صاحب الزمان جنوبی، کسی در حوزه نبود. این داستان انتخابات حکومت در سراسر خوزستان و سراسر کشور است.

- بازنشستگان تامین اجتماعی به روال هر هفته برای پیگیری اعتراضاتشان به تجمعات سراسری برای روز ۱۰ تیر در شهرهای مختلف از جمله در اهواز و شوش فراخوان داده اند.

### پنجشنبه ۷ تیر

- امان جلالی نژاد، معلم ساکن اهواز، به رغم گذشت بیش از هفتاد و پنج روز از زمان دستگیری اش، کماکان در بی خبری کامل خانواده اش در زندان شیبان این شهر در بازداشت به سر می برد.

- اسماعیل بخشی، فعال کارگری و زندانی سیاسی سابق در شبکه ایکس نوشت: در اتاق بازجویی کابل بود، شیلنگ بود، باتوم در رنگ های مختلف هم بود. مامور به نیشخند از متهم بیچاره می پرسید؛ با کدوم بز نم؟! سبز (پزشکیان)، سیاه (جلیلی) یا با آبی (قالیاف)؟!، شما جای زندانی بینوا، کدام را «انتخاب» می کردید!؟

### چهارشنبه ۶ تیر

- جمعی از کارگران هفت تپه طی بیانیه ای در رابطه با سیرک انتخاباتی حکومت نوشتند: "کارگران هفت تپه و جنبش کارگری، هیچ منفعتی در دفاع از نظام استمارگر و سرکوبگر ندارند و برای ادامه و بقای آن در انتخابات سرمایه داران شرکت نمی کنند. ما به دشمنان طبقاتی مان رای نمی دهیم. شرکت در انتخابات تأیید کل وضعیت و مشکلات و مشقات و مسببین آنست".

- سیل ناشی از سرریز سد گتوند بازهم به روستاها رسید. طبق گزارشات هشت روستای حاشیه این سد در شمال خوزستان درحالی بیش از یک هفته زیر آب سد گتوند مدفون شده اند که بر اساس مصوبه پارسل اداره کل بحران خوزستان "شرکت آب و نیرو باید تا زمان تعیین تکلیف نهایی و قطعی امر در مرجع قضایی از استغراق منازل خودداری کند". فریاد اعتراض قربانیان سد گتوند بلند شده است. بنا بر خبرها وقتی آب بالا می آید، مارها و جانوران به سمت روستا هجوم می آورند و مردم نمیتوانند در آنجا بمانند. در سال اول آبگیری سد، بخشی از زمین و مراتع مردم زیر آب رفت و غرق شد. و این داستان هر ساله ی زندگی آنهاست. هم اکنون راه دسترسی روستا، تخریب شده و زیر آب رفته و مسیر رفتن به مراتع هم مسدود است. از جمله روستای "تلخاب تاجدین" در شهرستان مسجدسلیمان، و خانه های مردم تا سقف زیر آب سد رفته اند.

نابودی محیط زیست، سیاستهای مافیایی و چپاولگرانه حکومت در قبال زندگی و معیشت، زندگی را برای مردم خوزستان جهنم کرده است. مردم به این وضعیت اعتراض دارند.

### سه شنبه ۵ تیر

- کارگران پروژه ای راکتور سازی اهواز به اعتصاب سراسری نفت و کمپین ۱۴-۱۴ پیوستند.

- یوسف بهمنی، از کارگران شناخته شده شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در پیامی تصویری به تاریخ سه شنبه ۵ تیر ۱۴۰۳ به نمایندگی از کارگران این مجموعه اعلام کرد که کارگران هفت تپه از مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی به هیچ وجه حمایت نمی کنند و در کنار مردم ایران و مادران دادخواه هستند. یوسف بهمنی همچنین در پاسخ به آن دسته از نامزدهای انتخاباتی که از اعتبار هفت تپه می خواهند برای خود کره تبلیغاتی بگیرند، عنوان کرد که این کارها فایده ای ندارد و مسیر کارگران هفت تپه در تمامی این سالها روشن است و آنها در مسیر حق و در کنار مردم گام بر می دارند.

- هوشنگ آل محمدی پدر زندانی سیاسی حجت آل محمدی ساکن ایذه با تودیع وثیقه یک میلیارد تومانی از زندان شیبان اهواز آزاد شد. او در هشتم خرداد در منزل شخصی اش بازداشت شده بود. آزادی هوشنگ آل محمدی را به او، به خانواده و همگان تبریک میگوئیم. تمامی زندانیان سیاسی بدون قید و شرط باید آزاد شوند.

### دوشنبه ۴ تیر

- هزاران کارگر پروژه ای نفت برای پیگیری مطالباتشان و با سه مطالبه فوری افزایش حقوقها، ۱۴ روزکار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران و پیگیری دیگر مطالباتشان وارد اعتصاب هستند و ابعاد اعتصاب هر روز وسیعتر میشود. از جمله در ماهشهر، جوشکاران و فیتراهای پتروشیمی ایران و ژاپن به اعتصاب پیوسته اند.

- بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه های اعتراضی خود در شهرهای سنندج، بندرعباس، مریوان، بیجار، زنجان و تبریز در برابر ادارات مخابرات تجمع کردند. در برخی شهرها بازنشستگان مخابرات در تجمعات مشترک هفتگی بازنشستگان کشوری و تامین اجتماعی شرکت میکنند. اعتراض بازنشستگان به فقر، فساد، گرانی و امنیتی کردن مبارزات و سرکوبگریهای حکومت است.

### یکشنبه ۳ تیر

- بازنشستگان فولاد در اهواز در کیانپارس مقابل صندوق بازنشستگی برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند. اعتراض بازنشستگان به فقر و بی تامینی، تبعیض، فساد و چپاول و سرکوبگریهای حکومت است. اجرای همسان سازی ها و افزایش سطح آن به بالای رقم سبد معیشت سی میلیونی، درمان و تحصیل رایگان و داشتن مسکن

## تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در چند شهر و یک خبر دیگر



پولهباشان را گرفته است اما از تحویل خودرو خودداری می‌کند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۴ تیر ۱۴۰۳، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۴

امروز چهارم تیرماه بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه های اعتراضی خود در شهرهای سنندج، بندرعباس، مریوان و تبریز در برابر ادارات مخابرات تجمع کردند. در کرمانشاه بازنشستگان مخابرات در تجمعات مشترک هفتگی بازنشستگان کشوری و تامین اجتماعی شرکت میکنند. اعتراض بازنشستگان به فقر، فساد، گرانی و امنیتی کردن مبارزات و سرکوبگریهای حکومت است. بازنشستگان مخابرات همچنین به اجرایی نشدن آیین نامه‌ی استخدامی و رفاهی ۱۳۸۹ که میتواند بهبودی در سطح دریافتی های آنها ایجاد کنند معترضند. اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای رقم سبد معیشت سی میلیونی و درمان رایگان دو خواست سراسری بازنشستگان است.

در این روز همچنین بار دیگر مالباختگان شرکت خودرویی "طراوت نوین ریحان تاک" در قزوین در برابر استانداری در اعتراض به بالا کشیده شدن پولهباشان تجمع کردند. شرکت طراوت نوین ریحان تاک با مدیریت پاسدار محمدرضا غفاری و با همدستی سپاه پاسداران "صاحب الامر" قزوین و قوه قضائیه، از هزاران نفر از مردم

از صفحه ۶

### اخبار هفته: واحد خوزستان ...

مناسبت و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و احضار و دستگیریها و بساط چپاول و غارت مطالبات سراسری بازنشستگان است.

- بازنشستگان تامین اجتماعی برای پیگیری مطالباتشان، بار دیگر در اهواز و شوش دست به تجمعات اعتراضی زدند. در شوش بازنشستگان در گرمای سوزان تابستانی از شهرهای کرخه، کارون و شوش جمع شده و در مقابل سازمان تامین اجتماعی تجمع و راهپیمایی کردند.

- در حالیکه بخش های مختلف کارگری و بخش های مختلف جامعه با بیانیه های اعتراضی سیرک انتخاباتی حکومت را به سخره گرفته و با فریاد رای ما سرنگونی است، آنرا کنار گذاشته اند، حکومت در اوج استیصال سعی میکند برای این مضحکه بسیج نیرو کند. بنا بر خبرها در اهواز امکانات شهرداری ها و برخی شرکت های نفتی از جمله ۴۵ دستگاه اتوبوس و مینی بوس دولتی برای جایجایی افراد از شهرستان ها به این شهر جهت شرکت در کارزار انتخاباتی جلیلی در مصلاهی نماز جمعه بکار گرفته شده است.

#### شنبه ۲ تیر

- کارگران پتروشیمی سلمان فارسی در منطقه ویژه اقتصادی بندر امام در استان خوزستان به اعتصاب هزاران نفره سراسری کارگران پروژه ای نفت، کمپین ۱۴-۱۴ پیوستند.

#### جمعه ۱ تیر

- در اعتصاب سراسری کارگران پروژه ای نفت، فیتراکاران پتروشیمی سلمان فارسی ماهشهر پیمانکاری مرادی، داربست بندان پتروشیمی سلمان فارسی ماهشهر، جوشکاران شرکت کوهساران بهبهان خط ۴۲ اینچ مارون ۲، فیتراهای درخشان شیمی سایت ۱ ماهشهر، کارگران شرکت نوید بندر امام نیز به اعتصاب پیوسته اند.

۸ تیر ۱۴۰۳، ۲۸ ژوئن ۲۰۲۴

### ۱۰ تیر: تجمعات اعتراضی بازنشستگان تامین

#### اجتماعی و فولاد در چندین شهر

#### "حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی"

امروز دهم تیرماه بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد در شهرهای مختلفی تجمع داشتند. تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در این روز در شهرهای کرمانشاه، تهران و اهواز برگزار شدند.

در کرمانشاه بازنشستگان با همراهی بازنشستگان کشوری تجمع داشتند و شعار میدادند: "کاندیدای دروغگو، حاصل وعده هات کو؟"، "حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی"، "معلم زندانی، آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی، آزاد باید گردد"، "روسری رو رها کن، فکری بحال ما کن"

در تهران بازنشستگان تامین اجتماعی مثل هفته های قبل دست به تجمع زدند و شعار میدادند: "زن و مرد برابرند، متحد و دلاورند".

در اهواز علیرغم فشارهای امنیتی بر بعضی فعالین و نیز گرمای شدید خوزستان، بازنشستگان تامین اجتماعی تجمع اعتراضی خود را علیه وضعیت بد معیشتی و پایمال شدن حقوق خود مقابل ساختمان تامین اجتماعی برگزار کردند.

در این روز بازنشستگان صنایع فولاد در شهرهای قائمشهر، شاهرود، تهران، اصفهان و اهواز تجمع کردند. در اصفهان بازنشستگان در حالیکه بر روی کاغذ خواستههای خود را نوشته و بدست گرفته بودند، با شعار "فولادی داد بزن، حق تو فریاد بزن" صدای اعتراضشان بلند کردند. در این حرکت اعتراضی بازنشستگان در اصفهان در حالیکه راهپیمایی میکردند شعار دادند: "نه گرما، نه سرما، نیست جلودار ما"، "قط کف خیابان بدست میاد حق ما"

اعتراض بازنشستگان به فقر، بی تامينی، فساد و بساط سرکوب و جنایت حکومت است. بازنشستگان با فریاد "اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد" صدای اعتراض همه مردم هستند. از خواستها و مبارزات بازنشستگان وسیعا حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ تیر ۱۴۰۳، ۳۰ ژوئن ۲۰۲۴

## اعتصاب بیش از ۲۰ هزار کارگر پروژه ای نفت وارد پنجمین روز شد



فورمن استراکچر و محمد رحیمی جوشکار توسط حراست شرکت توسعه آهن و فولاد گل گهر دستگیر شدند و هنوز خبری از آنها نیست. با اتحاد سراسری خود پیگیر وضع این دو همکار و آزادی فوری آنها شویم. رمز پیروزی ما در اتحاد ماست. متحدانه پیگیر حق و حقوقمان شویم.

حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از این اعتراضات اعلام میدارد، صدای کارگران نفت را منظمًا بازتاب

میدهد و بر آزادی فوری و بدون قید و شرط بازداشت شدگان تاکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۴ تیر ۱۴۰۳، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۴

امروز چهارم تیر ماه اعتصاب کارگران پروژه ای پیمانی نفت وارد پنجمین روز خود شد. بیش از بیست هزار کارگر پروژه ای در بیش از نود شرکت نفت و گاز به اعتصاب پیوسته اند. افزایش حقوقها، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران مطالبات فوری سراسری کارگران است. حدود ۵ هزار کارگر پارس ۱ و ۲ (عسلویه و کنگان) نیز اخیرا وارد اعتصاب شدند. در خیر مربوط به این اعتراضات شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت مینویسد: "در عسلویه صحنه رقص و شادی همکاران در پیوستن به این اعتصاب زیباست. از همه همکاران پروژه ای میخواهیم که به این اعتصاب زیبا بپیوندند. این اعتصاب تا همین جا فشار سنگینی بر پیمانکاران وارد کرده است. میدانیم که با اعتصاب ما بخش های دیگر نفت نیز که درگیر این اعتراض نیستند دچار اخلال میشوند و هزینه ای برای پیمانکاران مفتخور میشود. این قدرت اعتصاب ما را نشان میدهد. فشار این اعتراضات در جاهایی مدیران را به عقب نشینی واداشته، اما حرف ما اینست که اعتصاب سراسری است و باید پیمانکاران مفتخور را در سطح سراسری به عقب نشینی واداریم. در جاهایی همکاران مورد تهدید قرار گرفته اند. طبق گزارشات در جریان این اعتصاب بهرامی،

## اعتصاب هزاران کارگر پروژه ای پیمانی نفت در ۹۵ شرکت نفت و گاز

اعتصاب در نفت گسترش بیشتری می یابد. بیش از ۲۰ هزار کارگر در اعتصابند. روز گذشته ۴ تیر شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت اعلام کرده که دامنه اعتصاب به ۹۵ شرکت نفت و گاز کشیده شده است. افزایش حقوقها، ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران مطالبه فوری کارگران پروژه ای پیمانی نفت است. کارگران اعلام کرده اند که تا پاسخ نگیرند به اعتصاب ادامه میدهند. شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت در گزارش این خبر همه کارگران پروژه ای پیمانی نفت را به پیوستن به اعتصاب و اتحاد و همبستگی مبارزاتی فرا خوانده و انتظار خود را از حمایت همه بخش های کارگری از این اعتراضات اعلام کرده است. هشنگ #رای-بی-رای یک تاکید مهم این شورا در فضای اعتراضی کل جامعه علیه سیرک انتخاباتی حکومت است.

حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از اعتراضات کارگران پروژه ای پیمانی نفت اعلام میکند و همه کارگران و مردم را به حمایت و پشتیبانی از اعتصاب کارگران نفت به هر شکل ممکن فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ تیر ۱۴۰۳، ۲۵ ژوئن ۲۰۲۴

کارگران شاغل در دیگر بخش های نفت و از همه کارگران و مردم حمایت و پشتیبانی است."

اخبار اعتراضات کارگران پروژه ای پیمانی نفت بازتاب اجتماعی بسیاری داشته است. شورای بازنشستگان ایران طی بیانیه ای از این اعتراضات اعلام حمایت کرد، حزب کمونیست کارگری همه بخش های کارگری و کل جامعه را به حمایت از مبارزات و خواسته های کارگران پروژه ای نفت فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ تیر ۱۴۰۳، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۴

## اعتصاب کارگران پروژه ای پیمانی نفت در بیش از صد شرکت نفت و گاز

امروز ششم تیرماه اعتصاب هزاران کارگر پروژه ای نفت برای پیگیری مطالباتشان وارد هفتمین روز خود شد. اعتصاب هر روز در حال گسترش است و اکنون دامنه آن به بیش از صد مرکز گاز و نفت کشیده شده و بیش از ۲۲ هزار کارگر در اعتصاب شرکت دارند. بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت تا روز گذشته بیش از شش هزار نفر از این کارگران در مناطق عسلویه و کنگان در پارس یک و دو وارد اعتصاب شده اند. از جمله مراکز اعتصاب در این منطقه عبارتند از: پتروشیمی بوشهر، پتروشیمی صدف، پتروشیمی هرمز، پتروپالایش پیشگامان سیراف، فاز ۱۴ سایت ۱، اکسیر صنعت، آدیش جنوبی کنگان، و طرح توسعه کنگان.

اعتصاب کارگران پروژه ای نفت سراسری است و در مناطق مختلفی کارگران دست از کار کشیده و اعتاب کرده اند. افزایش حقوقها، ۱۴ روزکار و ۱۴ روز استراحت، حذف پیمانکاران مطالبات فوری این کارگران است. کارگران پروژه ای نفت اعلام کرده اند که تا وقتی پاسخ نگیرند اعتصاب آنها ادامه خواهد داشت.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در گزارش خبری امروز خود مینویسد: "پیمانکاران چپاولگر تلاش کرده اند که با تهدید به استخدام نیروی جدید کارگران اعتصابی را به کار بازگرداندند و در صف اعتصاب شکاف ایجاد کنند. اما نه موفق با گرفتن نیروی جدید شده اند و نه اینگونه ترفند ها ذره ای در عزم کارگران و اتحاد مبارزاتی شان تاثیر دارد. کارگران تجربه اعتصابات قبلی را دارند و در مقابل این توطئه گریها می ایستند. جالب توجه اینکه در جاهایی پیمانکاران برای انجام کارهای ناتمام و بر روی زمین مانده حاضر به پرداخت مزد بیشتر برای گرفتن نیروی کار جدید شده اند، اما کسی حاضر به قبول کار نشده است." این شورا همچنین خبر از حمله به کارگران LNG کنگان از شرکت دریا ساحل در هنگام تخلیه کارگاه و پیوستن به اعتصاب خبر داده و مینویسد: "اما کارگران با این یورش مقابله کردند و موفق به ترک کارگاه شدند و در این میان متاسفانه دو نفر از کارگران مجروح شدند. امروز کارگران پروژه ای اعتصاب نفت به بیشترین حمایت ها نیاز دارند. انتظار ما از



## تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در چند شهر و یک خبر دیگر



امروز چهارم تیرماه بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه های اعتراضی خود در شهرهای سنندج، بندرعباس، مریوان و تبریز در برابر ادارات مخابرات تجمع کردند. در کرمانشاه بازنشستگان مخابرات در تجمعات مشترک هفتگی بازنشستگان کشوری و تامین اجتماعی شرکت میکنند. اعتراض بازنشستگان به فقر، فساد، گرانی و امنیتی کردن مبارزات و سرکوبگریهای حکومت است. بازنشستگان مخابرات همچنین به اجرایی نشدن آیین نامه‌ی استخدامی و رفاهی ۱۳۸۹ که میتواند بهبودی در سطح دریافتی های آنها ایجاد کنند معترضند. اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای رقم سبد معیشت سی میلیونی و درمان رایگان دو خواست سراسری بازنشستگان است.

در این روز همچنین بار دیگر مالباختگان شرکت خودرویی "طراوت نوین ریحان تاک" در قزوین در برابر استانداری در اعتراض به بالا کشیده شدن پولهایشان تجمع کردند. شرکت طراوت نوین ریحان تاک با مدیریت پاسدار محمدرضا غفاری و با همدستی سپاه پاسداران "صاحب الامر" قزوین و قوه قضائیه، از هزاران نفر از مردم

پولهایشان را گرفته است اما از تحویل خودرو خودداری می‌کند.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۴ تیر ۱۴۰۳، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۴

## اعتصاب کارگران پروژه ای پیمانی نفت در بیش از ۱۱۵ شرکت نفت و گاز



امروز یازدهم تیرماه اعتصاب هزاران کارگر پروژه ای پیمانی نفت در بیش از ۱۱۵ شرکت نفت و گاز ادامه دارد. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در کانال تلگرامی خود از پیوستن ده هزار نفر دیگر از کارگران به این اعتصابات خبر داده و می‌نویسد: "با بلند کردن صدای اعتراضمان به حاکمیت چند دهه بساط برده وار کاری در مراکز نفت و چپاولگریهای پیمانکاران اعلام کردیم "رای بی رای"، و آنها صندوق های رای شان را در داخل سالن اجتماعات پتروشیمی ها و سایت ها آوردند. اما نه خبری از همکاران پروژه ای بود و نه رای دادشان".

۱۴ روز کار، ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران. بعلاوه اینکه ما پیگیر مطالبات پاسخ نگرفته خود در زمینه بهبود وضع خوابگاهها، وضعیت غذا، ایمنی محیط کار و دیگر خواستههایمان هستیم".

از خواستهها و اعتراضات کارگران پروژه ای نفت فعالانه حمایت کنیم. و صدای اعتصاب و اعتراض آنها را بازتاب دهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۱ تیر ۱۴۰۳، ۱ ژوئیه ۲۰۲۴

طبق همین گزارشات پیمانکاران تلاش بسیاری کرده اند که با استخدام نیروهای جدید صف اعتصاب کارگران را بشکنند، اما علیرغم پیشنهاد مزد بالاتر کسی حاضر به قبول کار به جای کارگران اعتصابی نشده است. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت مطالبات فوری کارگران پروژه ای نفت در این اعتصاب را اینگونه بیان میکند: "افزایش حقوقها و اجرایی شدن فوری افزایش ۳۵ درصدی حقوقها در تمام سطوح مزدی و لحاظ کردن نرخ تورم ۴۵ درصدی در این افزایش".

## ۱۱ تیر: تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در تبریز و بیجار

### فراخوان بازنشستگان در کرمانشاه به تجمع مشترک



امروز یازدهم تیرماه بازنشستگان مخابرات در شهرهای تبریز و بیجار دست به تجمع زده و پیگیر مطالباتشان شدند. بخشهای مختلف بازنشستگان متناوباً تجمع و اعتراض میکنند و تعرض حاکمین حریص و چپاولگر به حقوق و معیشتشان را مورد حمله قرار میدهند. اعتراض بازنشستگان به فقر، بی تامینی، فساد و بساط سرکوب و جنایت حکومت است. بعلاوه بازنشستگان مخابرات به اجرایی نشدن آیین نامه‌ی استخدامی و رفاهی ۱۳۸۹ که میتواند بهبودی در سطح دریافتی های آنها ایجاد کند معترضند. اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای رقم سبد معیشت سی میلیونی و درمان رایگان دو خواست سراسری بازنشستگان است.

مطالبات مشترکی اعتراضات بخش های مختلف بازنشستگان را به هم پیوند میزند. بخش های مختلف بازنشستگان از جمله بازنشستگان مخابرات، کشوری، تامین اجتماعی و علوم پزشکی برای پیگیری مطالبات خود فراخوان به تجمع مشترک در مقابل صندوق بازنشستگی کشوری را داده اند. بازنشستگان در کرمانشاه نمونه

خوبی از اعتراض متحد بخش های مختلف بازنشستگان را بدست داده اند. این الگو را در همه شهرها میتوان بکار گرفت.

حزب کمونیست کارگری ایران ۱۱ تیر ۱۴۰۳، ۱ ژوئیه ۲۰۲۴